کارگران جهان متحد شوید!

پیکار

(۱۱۴)

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

سال سوم - دوشنبه ۴ مرداد ۱۳۶۰ بها ۲۰ ریال

مشخصات اساسی اوضاع کنونی و وظایف کمونیستها (۱)

[illegible] رژیم جمهوری اسلامی نتوانست با یک تعرض وسیع [illegible] انقلاب ارتجاعی و تعرض به مواضع قدرت [illegible] انقلاب قهرمانه و مستمرگری را در قدرت سیاسی [illegible] سرکوب و سرکوب کراسیک آن را در قطعه قهرمحدودی از [illegible] درحالی است که گسترش جریان انقلاب و [illegible] ادامه دارد.

بقیه در صفحه ۲

خمینی جلاد: امام رژیم تازیانه و دار

[illegible] در سالهای ۵۶ و ۵۷ برای سرنگونی رژیم استبداد و سرکوب، رژیم استبداد و سرکوب دیگری باقی می ماند و "رهبر" شورشهای توده ها بر علیه شاه جلاد، امام رژیم شکنجه و سرباران، امام رژیم جمهوری اسلامی میشود.

قیامهای توده ها، قیامی که بر علیه استبداد رژیم کنونی، بر علیه سرمایه داری وابسته، بر علیه دیکتاتوری و جنایات، بر علیه سرکوب و کشار توده ها، بر علیه شکنجه و زندان و شرباران بپا خواسته بود، در شعار راه متوقف می شود و دوباره استبداد و دیکتاتوری و جنایات، سرکوب و کشار شکنجه و زندان و شرباران و سرمایه داری وابسته ادامه می یابد. رژیم جمهوری اسلامی به جای رژیم شاه جانشین نگاهبان سرمایه داری وابسته میشود، شاه "سایه خدا" جانشین را به "جانشین خدا در روی زمین" یعنی ولی امر میدهد، بزرگ ارتشاران جلاد می میرد و بزرگ جلاد جدید خمینی، امام شکنجه، امام شکنجه و شرور و شرباران با استعمال کردن خون شهیدان بر سر مقبره بخون آلوده رحمتکشان می نشیند. ارتجاعی میرود و ارتجاعی دیگر بر سر شکنجه می رسد و اینبار یکی از این "ارتجاع"ها کارگران را مسلمان نموده و دیگری کارگران را رشت، بعضی در اسلام رحمتکشان و کشار و سرکوب کارگران، دهقانان و دیگر رحمتکشان و انقلابیون کمونیست ها نمی دهد. آنان سرمایه داری وابسته نیستها خون کارگران، رحمتکشان، انقلابیون و کمونیستها میگردد، خواه آنان با شاه جلاد باشد خواه "امام خمینی"!

بقیه در صفحه ۵

انتخابات ریاست جمهوری و اوج پوسیدگی و جنایتکاری رژیم جمهوری اسلامی

در صفحه ۷

تهاجم و ضربات اخیر ضد انقلاب به سازمان و سایر نیروهای کمونیست و انقلابی

[illegible] رژیم سیاهکار و ارتجاعی جمهوری اسلامی، در این [illegible] کامل [illegible] خویش و برای تامین ادامه حیات سرمایه داری وابسته، به اعمال [illegible] دیکتاتوری و سرکوب و کشار روحیه به روی آورده و بوطنه و بها هم [illegible] انقلاب و سازمانهای آن، بخصوص نیروی کامل آنها به مرحله [illegible] آورده و مردمان را حیات سیاسی و مرتجع رژیم و در راس آنها خمینی که [illegible] آگاهی و بوهم و سیع توده ها، بر انقلاب توده ها سوار شدند، وقتی [illegible] و [illegible] (وقتی نتوانستند) کوچکترین خواست و [illegible] توده های رحمتکش ما را ارضا میکنند و بر آورده، چاره ای جز [illegible] کشار و قتل عام توده های آگاه و پیشرو و سازمانهای [illegible] در دفاع از مواضع کارگران و رحمتکشان ایران، بر خواستها و [illegible] انقلابی قیامهای فرموده اند، بدیده و نابودی کامل و همه جانبه [illegible] دستور کار خویش قرار داده اند.

بقیه در صفحه ۱۱

از وصیتنامه کمونیست پیکارگر رفیق محسن فاضل (رفیق سامی) لحظاتی قبل از اعدام در زندان اوین

در صفحه ۱۰

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مشخصات اساسی اوضاع کنونی و وظایف کمونیستها

حوادث و تحولاتی که در سیر ماه اسفند و از ابتدای آن در جامعه بوقوع پیوست (برگزار کردن مجلس مؤسسان، ۲۰ خرداد و با تلاش ارتجاع و مرتجعین جمهوری اسلامی اوج این دوره را سازمان دهی گسترده انقلاب و ضد انقلاب را تشکیل میدهد) ضد انقلاب حاکم مشخصاً ضد انقلابی و خائنانه خویش را که از مدتها پیش شروع کرده بود عریان مشخص تر ساخت و سرکوبگری بی حد و حصری با انقلاب قلم آورده و سلاحی مسلحانه که با اطلاق کار انقلاب را بگیرد بجامعه، صدور سیاسی قطعی استحاله ناپذیری و قاطعیت موقعیت دروغین خویش را که با بیرون راندن لیبرالها از قدرت بدست آورده بود و بنیانهای این تعرض و هجوم گسترده ضد انقلابی قرار داده و با علنیه موقعیت سنگر بحران قدرت در درون حکومت - بدون آنکه سنگر بحران در روی طبقه حاکم علنیه گردیده باشد - بسیط واحدی را برسیاست رژیم جمهوری اسلامی در برابر انقلاب حاکم کرد و این خط واحد و استحاله موقعیت را مستقیماً به سرکوب عده‌ها بسته و کسانی را خود انقلابیون و اعمال دیکتاتوری عریان و خفقان در جامعه قرار داده است. این تعرض گسترده و هجوم بسیار، که هم اکنون در جریان کشاکش فعل - عاملها، سرور و اعدام و بگیر و ببند و سرکوب و... مشخصاً هر چند است، یک جنبه مشخص موقعیت را بر جنبش تحمیل نموده است. اما این غلبه مشخص موقعیت آغاز یک دوران بزرگ سیاسی و فروکش انقلاب و جنبش، بلکه بجای آن دوران تحقیق بحران اجتماعی و سیاسی و تشدید تضادها و مبارزه طبقاتی و... برای انقلاب دوره تجدید قوا و بسیج و تدارکی خواهد بود که انقلاب خویش را برای با سرکوبی به تعرض ضد انقلابی رژیم بوسیله یک تعرض طوفانی آتی خویش آماده می سازد. طوفانی که فرا رسیدن آن مبارزه سیاسی، جنبش از کلیه جهات بکامل شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود و سرعتی انقلاب قریب الوقوع و اجتناب ناپذیر خواهد بود.

در چنین شرایطی که حوادث با حدت و سرعت بسیار موقوع می پیوندد و جنبش سیاسی جامعه را دگرگون می سازد و در شرایطی که بی اغراق می - توان گفت شرایط سیاسی و شکاف قوای موجود روز به تعمیق می پذیرد و جامعه بسوی آستانه حوادث و تحولات شدید و سریع و بیش بینی نشده است، تحلیل و شناخت جریانات اجتماعی در قالب احزاب و نیروهای سیاسی به میدان آمده و راه حل خویش را در برابر بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه به پیش گذاشته اند و مشخصاً منافع طبقاتی و به تناسب قوای خود میکوشند تا جامعه را به سمت راه حل مطلوب خویش سوق دهند. در چنین شرایط حساس و تعیین کننده ای، پرولتاریای آگاه بیش از هر زمان دیگری، بیارمند بحث آوردن یک ارزیابی دقیق و یک تصویر کاملا روشن از سیر انقلاب و وضعیت سیاسی جامعه در لحظه فعلی است تا بتواند موضع و تاکتیک صحیح و انقلابی خود را مبتنی بر این ارزیابی فعلی تعیین و طبقه کارگر و توده‌ها را بدین سمت رهنمون سازد. چرا که در شرایط کنونی، که بدلیل ضعف جنبش کارگری و کمونیستی، بیش از هر زمان دیگری موضعات لیبرالی خرده بورژوازی دهقانی پرولتاریا و زحمتکشان را آشفته ساخته است، بیش از هر زمان دیگر ضروری است که پرولتاریای آگاه به آشاعه تصوری روشن از سیر انقلاب و خواستهای پرولتاریا در این انقلاب بپردازد.

مختصات اساسی شرایط سیاسی فعلی جامعه را در وجوه کلی خود بطور فشرده میتوان چنین بیان نمود:

۱- قدرت سیاسی حاکم در ابتدا و حمله به انقلاب و مبارزات توده‌ها با حوادث سیر ماه تعرض و سرکوب گسترده‌ای را برای ... بوقطعی انقلاب آغاز کرده است. این از ضام، مضمون اساسی مبارزه میان طبقه کارگر و توده‌های مردم و نیرو - های انقلابی با رژیم جمهوری اسلامی بر سر این نکته بود که آیا انقلابی که بر اثر خیانت و سازش رهبری آن و حاکمیت بورژوازی ضد انقلابی در شکل جنبه در سمت راه متوقف مانده است، باید با درهم شکستن سدها و موانع ضد انقلابی که در وجود رژیم جدید تبلور یافته بود ادامه پیدا کند و خیزشها و مبارزه‌های قیام بهمن ماه به سکوتی برای پیشرفت و تداوم انقلاب تبدیل گردد. یا اینکه خیزشها ارگ توده‌ها بوده شده، انقلاب متوقف مانده و شکل جدیدی از حاکمیت سرمایه - داری (وابسته) احیاء و بازسازی گردد. ادامه مبارزه طبقاتی و تجاوز سرسختانه بر سر سرنوشت انقلاب، میان انقلاب و ضد انقلاب حاکم پیوسته موجبات بروز تضاد میان اینها را فراهم میگردد و در این تضادها و تجارب، توده‌های کثیر مردم که نسبت به رژیم سیاسی حاکم در توهم بسر میبردند، بتدریج از کردار آن برگشته شده و به سمت آلترناتیوهای دیگر روی آورند. روند سیاسی تاریخ دوسال و سه ماه اخیر ایران، روند کشاکش میان انقلاب و ضد انقلاب و فروپاشی توهمات توده‌ها و انحراف تدریجی رژیم جمهوری اسلامی بوده است. جنبش در این دوره علیرغم فراز و نشیب‌های بسیار، بدلیل جامعه سیاسی بحران اقتصادی - سیاسی، در سمت راه ماندن انقلاب و برآورده شدن مطالبات اساسی توده‌ها در انقلاب بهمن توده‌ها را رگود و سکون نگرفته و سود انقلابی توده‌ها به سستی و خاموشی نگرانند. لیکن جنبش اساساً علیرغم اعتصاب و خیزشهایش، علیرغم دفاع و تعرض‌های پاکسیکی این حملات دفاعی داشت (۱) دفاع در برابر تعرض بورژوازی حاکم که برای پس گرفتن سنگرها و دستاوردهای انقلاب و جلوگیری از ادامه و انقلاب و استقرار و تحکیم قدرت یکتای بورژوازی به انقلاب و مبارزات توده‌ها حمله و تعرض میکرد.

۲- از حکومت مبارزه میان انقلاب و ضد انقلاب و گسترش دامنه مبارزه طبقاتی، افزایش دامنه و عمق بحران اقتصادی، تشدید تضادها درون جناحهای حاکم و فرا رگرفتن انقلاب سیاسی حاکم در یک سمت کامل و سرانجام بسته شدن یکه گاه مهم سیاسی رژیم، بعضی توده‌های موهوم بورژوازی را وادار به تعرض در روند بازسازی نهادهای سرکوب و قدرت، اتحاد و تعرض کرد در قدرت برای با حکومتی به بحران و تشدید تشکل سیاسی وسط دامنه ارتجاع سیاسی و دیکتاتوری عریان نمود. انقلاب و بحران عمیق جامعه در سیر حرکت خود اتحاد یک ضد انقلاب متمرکز و فشرده را ضروری ساخت. ضد انقلاب حاکم ضروری میدید که با یک تعرض گسترده و همه جانبه و قطعی، کار انقلاب را یکسره سازد و آخرین بقایای دستاوردهای قیام و مبارزات توده‌ها و دفاع آنها از این دستاورد - ها و ادامه انقلاب را درهم بشکند و با اعلام پیش شرط سیاسی علیه بحران فراگیر جامعه و استقرار و تثبیت رژیم سیاسی حاکم را تامین نماید. حزب جمهوری اسلامی با تکیه بر امکانات و شرایط

←

(۱)- درباره اعمال انقلابی و حملات تعرضی مبارزه توده‌ها که فعلا از طرف ما مطرح شده بود، ما بعداً توضیح خواهیم داد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مساعد. در شرایطی که قدرت سیاسی را بطور یکپارچه و بدون ارائه خدمات بورژوازی در دست خویش متمرکز نمود هجوم لجام گسیخته و همه جانبه‌ای را به انقلاب آغاز کرده. سرکوب و کشتار گسترده‌ای را بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی، در دست در راهی که سیاست قوا هویت به نفع ضد انقلاب و به زیان انقلاب بود، آغاز نمود. روشنی که همچنان ادامه دارد. ارتجاع در دست آرزو خواهان سریع نبرد قطعی و خلع داخلی بر علیه انقلاب بود که سیاست قوا به نفع وی قرار داشت و اوضاع ایجاب می‌کرد تا بکمک این برتری قوا، صفوف انقلاب در حال رشد و انسجام را بشکسته و براکنده و مسلح سازد و پس از آنکه قوا گرفته و نیروی بیشتر را اجرا نماید بر آن غلبه نموده و کشاکش را به نفع خود خاتمه دهد. خطر تاکتیک روش سیاسی در این شرایط، با سخنگوئی منتسب به دعوت رژیم حاکم به وارد شدن در نبرد قطعی بود. روشی که نیروهای دمکرات بدان دست یازیدند.

تعرض گسترده و همه جانبه و خونین ارتجاع به انقلاب، در سراسر ماه اسفند، خیزش توده‌ای و انقلابی را تا کرانه یک غلبه نسبی موقت وا داشت و وقفه‌ای را در سیر پیشرونده مبارزات آنها بوجود آورد. در دوران انقلابی و در سراسر تکامل و پیشرفت مبارزه توده‌ها، همواره ریکراکها و فراز و نشیب‌هائی در سیر خیزش و مبارزه میان انقلاب و ضد انقلاب وجود داردند به عنوان نمونه پس از جنگ ایران و عراق، و تحت تاثیر شرایط سیاسی ـ روانی ناشی از آن، مبارزات توده‌ها دچار یک نشست و غلبه نسبی موقت گردید. و پس روند طبیعی خویش را باز یافت. دوره اخیر، اگر چه از لحاظ ابعاد و دامنه تعرض جانبه در مبارزات توده‌ها و مبارزه انقلاب و ضد انقلاب، نسبت به تعرضات گذشته متفاوت است. لیکن یکی از همان قوانین و سنت‌هائی است که تحت تاثیر حوادث و تحولات جاری جامعه و در راس آنها تعرض گسترده و همه جانبه ارتجاع حاکم، بوجود آورده است.

۳ـ دوره غلبه نسبی حاضر، یک دوره موقت است که در مقطعی از مبارزه جدی میان انقلاب و ضد انقلاب شکل گرفته شده است. تمرکز قدرت در رژیم سیاسی، تعرض همه جانبه آن به انقلاب، اعمال دیکتاتوری خشن و سرکوب و کشتار وحشیانه، پس گرفتن بهترین سنگرها و دستاوردهای قیام و مبارزات توده‌ها از جانب ضد انقلاب (تحرکردستان که همچنان قهرمانانه از سنگرهای خویش دفاع میکند) و انسجام موقت صفوف جامعه تا بکمک این ابزارهای سرکوب خویش، بهمجموعه به معنای تثبیت رژیم و شکست انقلاب و آغاز یک دوران رکود بر خیزش نیست. جرا که اصلی ـ ترین عناصر و نیروهای محرک انقلاب همچنان باقی است. بحران اقتصادی و فقر و سیه روزی ـ ی آن برای توده‌ها به قوت خود باقی است. بلکه شیوه تعدی می‌باشد و در یک کشمکش اقتصادی روزمره‌ای که هم اکنون بر سر تقسیم خیر اندار قابل پیش بینی و مطمئنی برای غلبه بر این بحران ارجاعی رژیم حاکم از طریق رفرم‌ها و ... به چشم نمی‌خورد. مطالبات اساسی توده‌ـ های مردم و طبقات محروم جامعه همچنان پاسخ نگفته باقی مانده است و توده‌ها گماگان آن را طلب میکنند و برای به تحقق درآوردن آن از خود نیرو و محرک نشان میدهند. اعتماد و اطمینان توده‌ها به بهبودی اوضاع آنها از طریق "بالا" به میزان زیادی در حوادث اخیر (پس از سرماه) از میان رفته است. کشتارها، جنایات و سیاهکاری‌ـ های رژیم آنچنان نفرتی در دل توده‌های آگاه بوجود آورده است که نه تنها آنها را به پس دادن نه دیکتاتوری و نه جمهوری اسلامی و نه تنها بلکه نیز ـ عکس، تمایل و روحیه مقاومت را در آنان دامن زده است. هر چند که این تمایل و روحیه هنوز در مقطع فعلی، بصورت مبارزات وسیع و سراسری آنان نمیتواند صورت گیرد از طرف دیگر رژیم جمهوری اسلامی که تلاش میکند، بحران درون طبقه حاکمه را خاتمه بخشد. در این راه تا موفق نشده است و تنها این بحران را بطور موقت از درون حکومت به خارج از آن منتقل کرده است. بعلاوه اینکه تنها نه‌های نیرو آشکار تضادها و تضادهای جدیدی در درون حاکمیت بظاهر یکپارچه فعلی به چشم می‌خورد. بدین قرار محتمل ترین چشم‌ـ انداز قابل پیش بینی در آینده به میدان دور، اعتلای مبارزات انقلاب، صعود مجدد خیزش و مبارزات توده‌ها بر علیه رژیم، تداوم بحران اقتصادی ـ سیاسی جامعه، خواهد بود و رژیم جمهوری اسلامی نه تثبیت خود دست نخواهد یافت.

اینکه خیزش مجدد انقلاب و خیزش در چه زمانی انجام بپذیرد و اعتلای نوین خیزش به چه شکلی بظاهر بوده و چه اشکالی از مبارزه را (با توجه به تکامل تاموزون خیزش در بخش‌های مختلف) در هم آمیزد. چیزی نیست که از قبل قابل پیش بینی باشد. ولی میتوان پیش بینی کرد که این موج نوین، با توجه به ابعاد بحران و بدتر شدن شرایط انقلاب و ضد انقلاب هم در سطح و هم در عمق ابعاد بسیار گسترده‌ای بخود خواهد گرفت. گیفیت تکامل خیزش و مبارزه طبقاتی نکته‌ای است که بطور کلی جامعه، پیش از آنکه خیزش توده‌ای بشیوه طبیعی و بدریختی رشد و توسعه خود را طی نماید درگیر خیزش داخلی گردد. کمونیستها باید خویش را برای خیزش شرایط جدید و حساس آماده سازند.

۴ـ بحران سیاسی فعلی و مبارزه طبقاتی جاری، همه طبقات را به میدان مبارزه کشانده و آنها را وادار ساخته است که برنامه و راه حل خویش را برای برون رفت از بحران، به پیش کشند. احزاب و نیروهای سیاسی به مثابه سخنگویان و نمایندگان آگاه طبقات مختلف، وظیفه ارائه این "راه حل" ها و "چاره جوئی" ها را بر دوش گرفته و به فراخور منافع طبقاتی خود، آلترناتیوهای گوناگونی را بوجود آورده‌اند. مهمترین قطب‌ـ های سیاسی ـ طبقاتی را که هم اکنون نیروهای حرکت جامعه و نیز واقع منافع متضاد و متمرکز در میان خود بوجود آورده‌اند به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

الف ـ حزب جمهوری اسلامی

این حزب که هم اکنون قدرت سیاسی را بطور کامل در دست خویش متمرکز کرده است. بیشتر نیروهای سیاست سرکوب بورژوازی است و از حزب خویش را برای غلبه بر بحران موجود پیش رفتن مبتکر به نیرو کرده است. آلترناتیو حزب اکنون آلترناتیو دیکتاتوری عریان و خشن، سرکوب و کشتار روحانیان و نیرو را است که هم اکنون به عرصه بر شکلی آنرا به عمل درآورده است. حزب جمهوری اسلامی، متکی بر اشکال عریان سرکوب و پایه‌های سنتی، می‌کوشد تا دست یازیدن به برخی رفرم‌های اقتصادی به دیکتاتوری عریان خویش مشروعیت بخشد و توده‌های مستضعف را برای استمرار خط سرکوب و دیکتاتوری در پایه‌های خویش حفظ نماید. لیکن امکانات طرفیتهای محدود قدرت سیاسی کنونی برای دست زدن به چنین رفرم و صفا بلا دست یازیدن وی به عریان ترین اشکال سرکوب وی را در این راستا بشدت دچار دشواری نموده است. حزب جمهوری اسلامی و به عبارت دیگر هیات حاکمه فعلی نیروئی است که در چشم انداز آتی، مرگ آن محتوم است. این آلترناتیو هیچ چشم انداز برای پیروزی و غلبه بر بحران و حفظ حاکمیت بورژوازی نخواهد داشت. آلترناتیو خمینی و حزب جمهوری اسلامی، قطعا محکوم به مرگ و نیستی است. جرا که ضرورت ارائه یک چنین قدرت سیاسی بورژوازی ایران مورد ضرورت انقلاب قرار گرفته است. در عین حال آلترناتیو مطلوبی برای بخش غالب بورژوازی ایران نبوده و این بخش از آن روی گردان شده است.

روی نیروهای توده‌ای و اکثریت این مردم و نیروهای بورژوازی و این همه نشان جلادی و قتل عامهای رژیم جمهوری، در حال حاضر در جبهه این آلترناتیو قرار دارند آنها که هم ـ اکنون از ادامه بررسی اشکال سرکوب و جلادی های فزون و بیشتر رژیم جمهوری اسلامی، حمایت می ـ کنند. تلاش میکنند تا رژیم، و در واقع جناح حزب را که مسلط بر قدرت سیاسی است، به سمت یک سرمایه‌داری دولتی و البته به سوسیال امپریالیسم روس سوق دهند. حمایت آنها از برخی رفرمهای اقتصادی، از قبیل مسدود و دولتی کردن تجارت خارجی، که روزنامه: رسوی و گرنا در سلسله مقالات خود آن را می دمند، بخاطر تامین شرط های رژیم سیاسی مورد نظر آنها از یکسو و ایجاد یک پایگاه وسیع اجتماعی در میان اقشار متمایل برای رژیم جمهوری اسلامی است تا حاکمیت ضد انقلابی رژیم در سوی به اصطلاح ضد امپریالیستی و "مردمی"، و البته بر پشت بخرهای خون ضد و

←

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

هزاران تن از انقلابیون وکمونیست های راستین وکارگران وزحمتکشان ایران، استمرار بسته روبرونیستهای توده ای و "اکثریت" به مثابه متحدین حزب جمهوری اسلامی، در شرایط کنونی جامعه، در مجموع یک بلوک "آلترناتیو" تشکیل می دهند. هرچند که دارای اختلافات مشخصی هستند که هنوز بطور کامل خطوط سیاسی آنها را در پاره ای از زمینه ها بر یکدیگر منطبق نکرده است. و این ناشی از خصوصیات ویژگیهای حزب جمهوری اسلامی و عناصر دیگر از مشکلات ناهمگون درونی آن است. تمام تلاش و نیروی نیروهای انقلابی این خطوط بر یکدیگر به نفع خط سیاسی ضدانقلابی خودشان است.

ب- آلترناتیو بنی صدر- رجوی و عبارت دیگر، لیبرالهای مجاهدین

سیر عینی تحولات سیاسی و قطب بندیهای جامعه، پیرامون این دو جریان سیاسی، حتما عینی یکی لیبرالی و دیگری بورژوا دمکرات نامیگیر را به یکدیگر متصل نموده است! اکنون، دیگر مجاهدین در ادامه گرایش وسیاست لیبرالی خود با لیبرالها سپرده داری بنی صدر به یک اشتباه سیاسی دست زده اند. یعنی صدر بمثابه رهبر سیاسی لیبرالهای ایران (علیرغم همه عبارت پردازی ها یش که برای ایجاد آشفته فکری و توهم پیرامون سیاسی این حزب تشکیل دادند) این موضع تشکیل دادند تا این مکتب بنهان بیاید که رهبر بالفعل لیبرالهای ایران و به عبارت صحیحتر، نماینده سیاسی واقعی بورژوازی لیبرال در ایران را بنی صدر عهده گرفته است و به بازرگانها و به... و رجوی رهبر مجاهدین به مثابه یک نیروی دمکرات خرده بورژوا، با ائتلاف خود اکنون محور و مرکز آلترناتیوی گشته اند که اگر چه ظاهرا از ائتلاف خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال بوجود آمده است لیکن در واقع امر ماهیت و مضمون لیبرالی دارد. در ظاهر امر چنین بنظر میرسد که ایجاد مجاهدین هستند که بنی صدر را از قطب لیبرالها، کنده و او را به همراهی با انقلاب و پذیرش مطالبات دمکراتیک مجاهدین متقاعد نموده اند. لیکن در باطن امر، این مجاهدین هستند که بدل شده اند. آلترناتیو دمکراتیک و با پذیرش یک خط مشی ارتجاعی در انقلاب - خط مشی ایکه ادامه همان خط مشی "خلع ید از حزب حاکم" میباشد - به زیر پرچم بنی صدر و لیبرالها رفته اند. مجاهدین با تشکیل یک بلوک با لیبرالها برای کسب قدرت با پذیرش ریاست جمهوری بنی صدر و تقسیم مواضع حکومت آتی میان خود و لیبرالها (بنی صدر بعنوان ریاست جمهوری و رجوی بعنوان نخست وزیر!) با بستن "میثاق" با لیبرالها - سیاستی که در پرگیرنده یک پرنسیپ تمام عیار لیبرالی است، عملا وارد در یک معامله سیاسی با بورژوازی لیبرال سرسپرده شده اند و البته تلاش میکنند که بخش تابع پیگیر جنبش کمونیستی را به زیر این پرچم فراخوانده و بدین ترتیب "قطبی" بوجود آورند که وظیفه اش در حقیقت تبدیل پراتیک بورژوازی کردن توده های زحمتکش برای خلع ید از جناحی از بورژوازی و حفظ حاکمیت بورژوازی است. این قطب سیاسی که اکنون در هیات "شورای مقاومت" از یک طرف و با پشتوانه میان رهبران لیبرالها و در رأس آنها بنی صدر و رهبران مجاهدین، ظاهرا وجود گرفته است، فرصت به همان دلیل که از لحاظ "نیرو" و وزن اجتماعی و سیاسی خود، نیرومندترین "اپوزیسیون" را در برابر حکومت تشکیل میدهد، میدان نبرد برای سرنوشت آتی انقلاب خطرناک و زیان آور است.

مجاهدین با شرکت در چنین صف سیاسی، عملا از برنامه و مطالبات دمکراتیک عدول کرده اند و با رویگردانی از متحدین واقعی خویش در انقلاب دمکراتیک یعنی کمونیستها و به عبارت صحیحتر، با روی گردانی از برنامه دمکراتیک - انقلابی، در این انقلاب فرصت مهمی را برای پیشبرد انقلاب وارد میسازند.

طبیعی است که ضعف پرولتاریا و نیروهای کمونیست در شرایط بحرانی کنونی و تشدید مبارزه طبقاتی، یکی از علتی است که موجبات تشدید نوسانات و تزلزلات خرده بورژوازی و گرایش قطبی مجاهدین به برنامه و مشی لیبرالی و ائتلاف با لیبرالها را فراهم ساخته است. خرده بورژوازی با قرار دادن موضع اجتماعی خود تابع قدرت است. چنانچه پرولتاریا از لحاظ نیرو و پشتوانه ضعف باشد خرده بورژوازی بطور طبیعی به سمت بورژوازی جهت گیری می کند.

بلوک بنی صدر- مجاهدین، اکنون با ارائه برنامه خود، و در پیش گرفتن یک خط مشی لیبرال - کودتاگرانه، که دقیقا با سرنوشت سیاسی آنها در پیوند قرار میگیرد، میکوشند تا بخش توده ای بلکه حتی جنبش انقلابی و کمونیستی را نیز زیر پرچم خویش گرد آورد. شعار سرنگونی که این بلوک مطرح میکند، در واقع امر همان شعار "خلع ید از حزب" است که اکنون ظاهرا انقلابی بخود گرفته است، تا کنیک آنان رفرمیستی مجاهدین در شکل مبارزه شان و "مبارزه مسلحانه" ای که در پیش گرفته اند، نشانه دیگری از کسب قدرت سیاسی است که آنها برای یک برنامه لیبرالی با رژیم حاکم فعلی میزنند تا شکل دیگری از حاکمیت بورژوازی را در جامعه برقرار سازند. فرصت بیشتر دلیل هم هست که لیبرالی چون بنی صدر، یعنی کسی که معمولا از "قهرمان انقلابی" همچون "خمینی از بسم الله" میگریخت، در اینجا به طبله و شادی نسبت به این عملیات و حرکات می پردازد و از ترور چهره های منفور و جنایتکار چون بهشتی، که متحدین سیاسی دیروز وی بودند، تلویحا ستایش میکند.

لیبرالها و در رأس آنها بنی صدر، که تا دیروز در موضع یکی از رهبران رژیم جمهوری اسلامی، در کنار و در ائتلاف با جناح رفسنجانی - خوب جمهوری اسلامی، شریک در جنایات کشتار و سرکوب جنبش و نیروهای انقلابی و کمونیست بود، همان کسانی که در کردستان به ارتش مزدور دستور داده اند که تا سرکوب قطعی مقاومت خلق کرد "چکمه ها را از پایشان خارج نکنند" و به "قلع و قمع خلق کرد و مبارزین آن سرزمین بپردازند"؛ همانهائی که جنبش کارگری را مورد یورش قرار داده و در سرکوب شوراها دخالت داشته بودند و می گفتند که "شورا یعنی ما لیده" همانهائی که از اعدام انقلابیون و کمونیستها در دادگاههای ضدانقلاب پشتیبانی نموده و با مزورانه سکوت میکردند و... آری همین کسانی اکنون خویش را هم آوای انقلاب کرده اند و فریاد وا اسفا دا! را سر میدهند: "برای استقلال و آزادی دل می سوزاند" و به گفتار و اقدام انقلابیون توسط رژیم قطعی حاکم اعتراض میکنند! اینها "نی سرهای" انقلاب ایرانند! یعنی همان علاکمون بارش که پس از بالا آمدن موج انقلاب، فریاد بر آورد که "من طرفدار انقلابم"!

آری اکنون همین شاعری، که تنها برای ایجاد آشفتگی شکل مطلوبی از رژیم سیاسی مبارزه میکند که بتواند بقای سرمایه داری و استبداد حاکم را تضمین و تامین نماید، اکنون با حمله به بورژوا دمکراتهای ما به سمت خویش، بلوک قدرتی را مهیا کرده اند که تحت پرچم لیبرالیسم بورژوائی قصد "سرنگون کردن" رژیم حاکم بخوان خلع ید از حزب جمهوری را در سر میپرورانند. راه حل آنها جز راه طلبی که تنها به جناحی قدرت از دست این جناح از بورژوازی به دست جناح دیگر، که البته رهبران خرده بورژوازی نیز در پشت پرده رژیم آنها خواهد بود، نمی باشد.

آلترناتیو بنی صدر- مجاهدین، اکنون در برابر آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی، یعنی برنامه پرولتاریا، در انقلاب دمکراتیک قرار داشته و به مبارزه جوئی برخاسته است و طالب آن است تا این آلترناتیو منفرد و پراکنده خود تبدیل نماید و به عبارت دیگر کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی را فرا می خواند تا به قلع و قمع بورژوازی لیبرال، پرچمدار حزب جمهوری اسلامی بشتابند!

ج- آلترناتیو دمکراتیک انقلابی

این آلترناتیو جزئی از برنامه پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک است که همین برخواستها و منافع انقلابی کارگران و دهقانان و توده های متوسط شهر در مرحله کنونی انقلاب می باشد. این آلترناتیو هم اکنون در نیروهای پراکنده جنبش کمونیستی متجلی است و هنوز از پیروزی مادی و پیوسته توده ای برخوردار نیست. لیکن برغم این واقعیت، این آلترناتیو در مجموعه خود، بویژه اگر وحدت بیشتر - برخی بخشهای آن صورت بخشد و با نیروهای جنبش کمونیستی حول برنامه انقلابی

بقیه در صفحه ۶

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

[illegible]

[illegible] "خامنه‌ای" [illegible] "آرامی خود" [illegible] آرامی دارد. توفان استقلال دموکراتیک [illegible] کارگران و زحمتکشان را [illegible] آسان راه [illegible] می‌سازد. "مخالفت" [illegible] "خودمانی" [illegible] "خامنه‌ای" [illegible] "خامنه‌ای زحمتکشان" [illegible] آری این [illegible] آموزش [illegible] لنین بزرگ از [illegible] آتش و خون بهترین فرزندان کارگران، درسی خود را [illegible] "با رهبری [illegible] سرنگونی [illegible] انقلابی به پیروزی نمیرسد" و "نهضت موجود خرده بورژوازی در عمل چیزی جز [illegible] سرمایه‌داران [illegible] نیست". آری حکایت خمینی یا دیگر [illegible] کارگر [illegible] اما به تجربه‌ای بس گران، این [illegible] هزاران شهید در کردستان و ترکمن صحرا، میدانهای تیرباران [illegible] هزاران زندانی، شکنجه‌گاهها و سیاه‌چالها و سرکوبهای کارگر، دهقان و زحمتکش [illegible] و [illegible] فقر و فلاکت دچار شده گواهان این آموزش دوزخ [illegible] آری این است حکایت خمینی: داستانی که با عشق توده‌ها به او آغاز میشود و با نفرت خلق از او پایان میگیرد. با مخالفت با دیکتاتوری سرمایه و وابسته آغاز میشود و با عشق به آن به سرانجام میرسد. با هم‌نوائی با خواستها و آرزوهای توده‌ها آغاز میشود و با دشمنی با خلق به اتمام میرسد. دوست تا بیگیر و لرزان و ترسان فردا به جنگ دشمنی تا بکار از آب درآمده است که پیراهن خونین سرفتیان پرتن، میهن فرزندان دلاور زحمتکشان را میدرد و بدنهای چون سرو استوارشان را با تازیانه و شلاق خونین میکند و آنها را بروز بر سر توده‌ها میآورد. "پیروز دشمنش شاه و مرشد خمینی گردید با حسین غیوره‌ها شی بر سر مردم آورد. عجب حکایتی! تا بخشش درین هنگر توده‌ها که بعلت ضعف هنگران بیگیر (یعنی کمونیستها) رهبر مردم نشده بود، به مردم خیانت کرد. اجتماع توده‌ها سکوتی [illegible] برای رسیدنش به اریکه قدرت قدرتی که حافظ و نگهبان سرمایه‌داری وابسته است، آری این همه [illegible] رهبری خرده بورژوازی بر انقلاب.

زمانی که خمینی جلاد میشود

اما حکایت خمینی از کجا آغاز شد؟ در ضعف طبقه کارگر و نقشها نیابنده‌گانش کمونیستها و در کشوری که خرده بورژوازی از دیگر طبقات بیشتر جمعیت بود در مبارزات دیگر اینک بسیار بیشتر است. آنهم پس از خیانت تاریخی حزب توده به مردم، مردی تا بکلیه‌ی احساسات مذهبی توده‌ها حرفهایی بوده‌ها میشود میکند. او مخالف با است. "مردها" و مرجع تقلید است و از همه مهمتر خود را مرا و را طبقات و ما و را صاحبهای مرفه قدرت قرار داده است استفاده بسیاری از مذهب و اسلام برخیزه گذشته و بر خود مساجد در زمانی که کمونیستها از مردم و را [illegible] و [illegible] از مردم با میرسیاه جانهای دزخیمان پهلوی می‌خواهند با درمی آیند. قدرت فراوانی به او بخشیده است. دیکتاتوری خلق و ما را شاه جلاد جنبشهای توده‌ها را میدانند که این دیکتاتوری را دیکتاتوری سرمایه بیمینه بسته است و کمونیست‌ها خواهان بعلت ضعف و با اشتباهاتشان نمی‌توانند جنبش توده‌ها را بر حقیقت بگذارند. پس شعار مرگ بر شاه، آرمان توده‌ها میشود. بی آنکه توده‌ها دریابند اگر همینا به برود ولی سرمایه‌داری وابسته در هم کوبیده نشود، با زهمان آش است و همان کاسه. توده‌ها از شعار مرگ بر شاه، نابودی سرمایه‌داری وابسته را انتظار دارند بی آنکه بفهمند، "مرگ بر شاه" خمینی، مرگ بر سرمایه‌داری وابسته نیست. طبقه کارگر حضور مستقل ندارد و در نتیجه نمیتواند شعارهایش را به مرگ بر قدرت سیاسی سرمایه‌داری وابسته و پیروزی با دمکراتیک خلق بر هر طبقه کارگر بدل کند. خمینی با استفاده از ضعف طبقه کارگر که نمیتوانست درک طبقه انقلابی را به جنبش بیفکند، همه طبقات و اقشار مخالف شاه را پشت شعار مرگ بر شاه متحد میکند و بدین ترتیب ماهیت طبقاتی اش را میپوشاند. مرگ بر شاه حتی با قیمت فوری بدبرش لیبرالها، یعنی بخشی از طبقه سرمایه‌داران وابسته ایران نیز قرار میگیرد و این اوج خمینی است او توانسته است خود را نه بعنوان نماینده بخش مرفه خرده بورژوازی (که ماهیت وی را بیان کند) بلکه ما و را طبقات قرار دهد و مانند پدری همه طبقات را در آغوش بگیرد و آنها را حول شعاری واحد به آشتی دعوت کند. گرچه در این دوران هم مخالفت خمینی با طبقه کارگر و کمونیستها آشکار است، اما کمونیستها بعلت انحرافاتی که دارند ماهیت طبقاتیش را آنچنان که هست به توده‌ها نمی‌نمایانند. اما تا زمانی که مبارزه علیه شاه جریان دارد و همچنان زهر توده‌ها است تنها زمانی که جمهوری اسلامی برقرار میشود، بتدریج پرده‌ها کنار میرود. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان "مرگ بر شاه" خودشان را میخواهند. یعنی نابودی سرمایه‌داری وابسته را و آن بخشهای سرمایه‌داری که این شعار را بدیرفته بودند، "مرگ بر شاه" خودشان را یعنی نابودی دیکتاتوری سرمایه‌داری وابسته اما بدون شاه.

اما اکنون دیگر نمیتوانند ما و را طبقات استفاده. اکنون دیگر دشمن مشترکی برای مبارزه نبود. خمینی و همپالکیهایش به مرگ شاه خود رسیده بود و در این میان بر زحمتکشان که انقلاب را با خون خویش پیش برده بودند، بی گلاه مانده بود. رژیم جمهوری اسلامی مستقر شد اما این رژیم قدرت سیاسی سرمایه‌داری وابسته بود و خمینی اما چه این رژیم. این رژیم، رژیم طبقه‌ای جای بود و دیگر نمیتوانست "ما و را" طبقات بنیان نهد و خمینی بتدریج با گرم‌تر و قدرتمند بودن ما و را طبقات بود بیش را آشکار سازد. اولین هشدار آشکار خمینی به دیگر طبقات در ۲۸ مرداد ۵۸ بود. خمینی به طبقه کارگر، کمونیستها و خلق گرد گفت که دشمن آنها است. او در بخش معروفش در این روز به جوبه‌های داری اشاره کرد که برای کمونیستها و انقلابیون برپا خواهد کرد و این اعتراف آشکار بود. دومین هشدار آشکار خمینی به آن بخشی از خرده بورژوازی که در صف انقلاب باقی مانده بود معطوف گشت. آن هم یکسال بعد در ۲ تیر ۵۹، خمینی برای معاهدین خط و نشان کشید و دشمنی آشکارش را با آنها نمایان تر و تا بینهایت اعتراف آشکار او بود و گرنه برای انقلابیون و کمونیستهائی که دچار انحراف نبودند، احتیاجی به اعترافات اینگونه آشکار و بی پرده نیز نبود. خمینی از فردای قیام نقش مهمی در قدرت سیاسی داشت و در همه جنایات رژیم بر علیه کارگران و زحمتکشان شرکت داشت. اما به همدستی او در کشتار و سرکوب توده‌ها و استثمار زحمتکشان با دیگر شریکانش در قدرت و نه اعترافات آشکارش به دشمنی با توده‌ها هنوز نتوانسته بود آن توهمی را که او را خارج از رژیم قرار میداد و همدستی او را در جنایات آشکارش انکار میکرد در پختی از توده‌ها از بین ببرد. گرچه کشتار کردستان ترکمن صحرا و کشتار خونین دانشگاه، حمایت آشکار خمینی از سرمایه‌داران و مفروضلاکی که برای توده‌ها به ارمغان آورده بود توانسته بود بتدریج چشم بخش بسیار وسیعی از توده‌ها را به ماهیت ضد انقلابی وی بگشاید خمینی که بخش وسیعی از توده‌ها از زمینی صدر لیبرال در سال ۵۹ میکرد نشانه گذاره گرفتن تدریجی آنها از خمینی بود. اما کلام آخر را در مورد خمینی، خود زد، او که برای نجات سرمایه‌داری وابسته به نقش ما و را طبقاتی و ما و را خاصی ادامه میداد. در پی جنگ قدرت میان خمینیها و لیبرالها روز پیروز آشکار و ضربه مداخله کننده مسعود رجوی را و آخر خرداد ماه ۶۰ بود که پرده بسیاری فرو افتاد و توده‌ها خمینی را کاملا در جبهه بخش از مدافعین سرمایه‌داری ایران، خاص خود دیدند بخش ما و را طبقاتی و ما و را خاصی خمینی هم در اینجا بتمامی پایان گرفت و همه بر سر افشاء توده‌ها دیگر کاملا او را در چهره طبقاتی اش دیدند و دریافتند که "امام" و رهبر مستضعفان که چهره‌ای "خدا گونه" نخود گرفته بود، اکنون تنها یک "ناخدا" و "خدمتگزار" سرمایه است. [illegible] و "خدمتگذاری" که برای بخشی از طبقه سرمایه‌دار ایران تنها امید و ما به نجات محسوب میشود.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

←

خمینی تا زمانی که در "ماوراء طبقات" بود، در اوج بود و رهبر واقعی مردم بود. از زمانی که به زمین برگرفته شد یکباره خمینی از اوج فرو افتاد و توده‌ها از او برید و چنین است که توده‌هایی که حاضر نبودند کوچکترین گرد و خاکی بر او بنشیند، اینک او را همدست جنایتکاران، حامی سرمایه‌داران و فرمانده جلادان و شکنجه‌گران می‌خوانند. آنهایی که تا دیروز ساده‌لوحانه می‌گفتند "خودش خوب است دور و بری‌هایش بد هستند"، اکنون می‌دانند که او دور و بری‌هایش از یک قماشند و تمامی جنایات رژیم جمهوری اسلامی از تائید خمینی سرچشمه می‌گیرد.

آری خمینی تا زمانی که در پوشش "ماوراء طبقات" پنهان بود، چنین در آسمان، در عرش اعلی بود و توده‌ها او را می‌پرستیدند. اما هنگامی که چهره طبقاتی خمینی آشکار شد و او از آسمان بر زمین فرو افتاد و آنهم چه فرو افتادنی، خیلی از توده‌ها او را در درون لجنزار همدست لجنزار شخص انگشتر سرمایه‌داری و توده‌ها او را نه به عنوان رهبری آسمانی و عدالت گستر بلکه به صورت بنده‌ای حقیر و زمینی، بنده خدمتگزار سرمایه‌داری دیدند و اینک لشکر پایین تنه مانند بیش امواج عظیم توده‌ها، بلکه خیلی از لمپن‌ها و وفادارکشان به انتهای عقب مانده - ترین اقشار توده‌های ناآگاه و بخشی از طبقه سرمایه‌دار توده که دیگر به اکثریتی عظیم، بلکه اقلیتی شکننده و لرزان را تشکیل می‌دهد. آری خمینی "بت شکن" پیش شکسته است! خمینی "بت شکن" تا حماسه آشکارش از حزب جمهوری و دشمنی با زحمتکشان و انقلاب، ماهیتش را به توده‌ها نمایاند. اینک دیگر بت خمینی برای وسیع - ترین اقشار توده‌ها در هم شکسته است و این یک ضروری برای انقلاب است. رشد انقلاب و ضعف حکومت موجب شد که هیئت حاکمه آخرین تکاپوهایش را رو کند و با گرفتن نقش ماوراء طبقاتی و ماوراء جنایی از خمینی او را عریان به صحنه بکشاند اما این آخرین تکاپوی حکومت نیز آنها را بجایی نخواهد داد.

• • •

آری اینک آشکار توده‌هایی پذیرند که از دستان خمینی سرخون زحمتکشان ما فرو می‌چکد. "امام" جلادی است همانند همه دژخیمان سرمایه. او در استثمار کارگران و زحمتکشان ما همدست و مشاور است. او همدست امپریالیستها در غارت منابع طبیعی و دسترنج زحمتکشان ماست! و همدست همه سرمایه‌داران و زمینداران... در مکیدن خون کارگران است. او در همه جنایات و جنگ‌های حزب حاکمه که دهها انقلابی را بخون کشیده مشارکت است. او از عوامل مهم‌تر کنترین تیره‌روزی‌های تاریخ ایران و جهان است. او کمک سرباران سیمدس را در پیش از یکماه امضاء کرد. کاریکاتورهای خاص در پنجسال از حکومتش انجام داده بود. او در اعماق جنایت‌های زندان همدست است. او عامل مهم کشتار کمونیستها و انقلابیون است. او در کشتار روزگار و زمینی مدرن از عوامل مهم جنایات و کشتار در کردستان و ترکمن صحرا است. او در کشتار زمینی مدرن و رژیم ارتجاعی عراق از عوامل مهم جنگ ارتجاعی ایران و عراق است که آوارگی و فقر و فلاکت و کشتار برای چند میلیون از زحمتکشان ما بار آورده است. نتیجه ارتجاعی قضایی شکنجه در زندانها و ترور انقلابیون و برگزاری دستگاه مظاهرات انقلابی و... از جمله اقدامات ارتجاعی است که او در آن نقش فعال ایفا کرده است. او کوشیده است تا با استفاده از موقعیت روحانیش به عنوان مرجع تقلید میان توده‌ها از فدای "قیامت" و با استفاده از احساسات مذهبی توده‌ها، زحمتکشان را بفریبد و به اطاعت از رژیم ارتجاعی وادارد. خشونت‌های ارتجاعی او که نمونه اخیرش درخواست از زحمتکشان برای جاسوسی و لو دادن انقلابیون است، نقش او بجای خمینی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. خمینی مزدور سرمایه‌داری وابسته، رهبر بنیانگذار رژیم ارتجاعی و جوبه‌دار رژیم استثمارگر و سرکوب، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. کشتار هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و انقلابیون و کمونیستها و استثمار روحانیه میلیونها تن از زحمتکشان ما، ما را بر آن می‌دارد که بر القاب "امام خمینی" لقب و اسمش را نیز بیفزاییم.. خمینی جلاد، امام ارتجاع سرمایه‌داری، امام شکنجه و زندان، امام استثمار و سرکوب است.

بقیه از صفحه ۵ "مشخصات..."

پرولتاریا اتحاد عملی انجام بپذیرد، می‌تواند در عرصه مبارزه طبقاتی نقش موثری در تغییر تناسب قوا بنفع انقلاب ایفا کرده و تا جرات مشخص و قابل احساسی در تجزیه بلوک "لیبرال - دمکرات" فوق الذکر باقی گذارد.

آلترناتیو انقلابی پیگیر بویژه در دو شعار اساسی برنامه‌ای خود با آلترناتیو لیبرالی یعنی صدر - مجاهدین مرزبندی روشن دارد. اول در شعار سرنگونی آن: در این برنامه "سرنگونی" و خلع ید مسلحانه! از حزب و سپردن قدرت بدست بلوکی که لیبرالها در آن حضور دارند و مطالبات بورژوا لیبرالی فرا راه آن قرار دارد، بلکه مفهوم این سرنگونی سرنگونی کل رژیم سیاسی بورژوازی و خرد کردن ماشین دولتی آن می‌باشد. دوم در شعار جمهوری: برنامه پرولتاریا صراحتا با طرح شعار جمهوری دمکراتیک خلق یعنی جمهوری انقلابی کارگران و دهقانان، مرز خویش را با جمهوری بورژوا لیبرالی روشن می‌سازد. این جمهوری نه از طریق مجامله قدرت در بالا و "تصمیمات انقلابی" در میان "مقامات" و نه از طریق اشکال مختلف حرکتهای گوناگون انحرافی و چشم دوختن بر ارتش موجود و... (روشی که بنی صدر و رجوی در پیش گرفته‌اند) بلکه از طریق قیام و مبارزه مسلحانه توده‌ها و از درون ارگانهای قدرت و مبارزه توده‌ها یعنی شوراها متولد می‌شود و متکی بر توده‌های زحمتکش مسلح است نه متکی بر طبقات دارا "تجار محترم"، "شخصیت‌های..."

این دو جنبه از برنامه پرولتاریا در انقلاب حاضر، جنبه‌هایی است که جوهر و چکیده اختلافات ما را با آلترناتیو بنی صدر - مجاهدین بیان می‌دارد. برنامه انقلابی فوق، همان برنامه است که می‌تواند نیروهای بورژوا دمکرات را به سطح برنامه حداقل پرولتاریا بالا بکشد و پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر را تضمین نماید و از هر راه حل میانه کارگر و ستمدیده جلوگیری بعمل آورد.

۵- با این وصف اکنون در سراسر انقلاب و جنبش کنونی، اعتلای نوین انقلابی آن محمل بر سر چشم‌اندازی جامعه است. در اساس دو آلترناتیو و راه حل قرار گرفته است یکی راه حل لیبرالی و دیگری راه حل انقلابی دمکراتیک. سرنوشت نیست که اکنون مناسبت قوای طبقاتی بگونه‌ای است که آلترناتیو لیبرال دمکرات از قدرت بیشتری بسبب به دومی برخوردار است. اینکه کدام آلترناتیو بتواند در جریان ادامه آتی سیر تکامل انقلاب و جنبش را تعیین کند و سرنوشت تحولات سیاسی حاضر را رقم زند، منوط به رشد مبارزه طبقاتی و مناسبت قوای سیاسی در لحظه نبرد قطعی است. طبیعی است که اگر حتا تحت پرولتاریا بتواند مفهوم خویش را متحول کرده و با حفظ استقلال سیاسی و تشکیلاتی خود قطب نیرومندی را بوجود آورد و بر اساس آن خرده - بورژوازی را از لیبرالها جدا ساخته و به سمت خویش جذب نماید سرنوشت انقلاب، جبری جریان جمهوری بورژوا لیبرالی و ادامه حاکمیت بورژوازی نخواهد بود و انقلاب کماکان در نیمه راه متوقف خواهد ماند. اما حتا تحت پرولتاریا نتواند تناسب قوای موجود را در بسیر رشد انقلاب و مبارزه طبقاتی بنفع خود برنامه انقلابی خود در میان توده‌های طبقه کارگر و زحمتکشان و با حفظ استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر، پیرامون دهقانان و خرده بورژوازی به سمت برنامه خود به هر درجه ممکن می‌تواند هر چه بیشتر انقلاب را به جلو راند و آن را به سمت پیروزی قطعی سوق دهد.

در دنباله این بحث در آینده وظایفی را که برپایه اوضاع سیاسی فوق الذکر بر عهده کمونیست‌ها قرار می‌گیرد، توضیح خواهیم داد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

انتخابات ریاست جمهوری واوج پوسیدگی و جنایتکاری رژیم جمهوری اسلامی

انتخابات ریاست جمهوری رژیم جمهوری اسلامی که طی دو سال حاکمیت خونین خود در مسلط ترین و محدود ترین شکل خود برپا گردیده بود به پایان رسید. جمهوری اسلامی در دفع تاجیانست می نامیده شده انتخاب شد. این انتخابات برای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اهمیت ویژه ای داشت. رژیم جمهوری اسلامی بطور عمومی آن بود تا با وسیع ترین تبلیغات و دستگاه رسانه های جمهوری سیاسی خود را از دستاوردهای رای "پیروز" جلوه آورد. اهمیت این "پیروزی" برای رژیم جمهوری آن جهت بود تا علیرغم تمام موقعیت سیاسی متزلزل خویش را تثبیت نموده و شعرهای وحشیانه خود را بر توده های مردم تحمیل کند. در این میان تبلیغات انقلاب و کارگران و زحمتکشان بسیار بیش بود.

حال ببینیم این انتخابات در چه شرایطی صورت گرفت و اهداف آن چه بود. رژیم جمهوری اسلامی که طی دو سال حاکمیت خونین خود در فقر و سیه روزی بیشتر توده ها و بحران گسترده خود را بر دیگری برای کارگران و زحمتکشان به ارمغان نیاورده است، بیش از پیش به اشیاء کشیده شده و توده های میلیونی و بیش از اعتماد خود را از خود خویش را نسبت به حکومت و ابسته و خود مردمی جمهوری اسلامی از دست داده اند. در مقابل تمام اعتماد رهبران به سیاست رژیم کارگران و زحمتکشان به ارمغان نیاورده است. بیش از پیش به اشیاء کشیده شده و توده های میلیونی و بیش از اعتماد خود را از خود خویش را نسبت به حکومت وابسته و خود مردمی جمهوری اسلامی از دست داده اند. در مقابل تمام اعتماد رهبران به سیاست رژیم کارگران و زحمتکشان به ارمغان نیاورده است. بیش از پیش به اشیاء کشیده شده و توده های میلیونی و بیش از اعتماد خود را از خود خویش را نسبت به حکومت وابسته و خود مردمی جمهوری اسلامی از دست داده اند.

حال ببینیم این انتخابات در چه شرایطی صورت گرفت و اهداف آن چه بود. رژیم جمهوری اسلامی که طی دو سال حاکمیت خونین خود در فقر و سیه روزی بیشتر توده ها و بحران گسترده خود را بر دیگری برای کارگران و زحمتکشان به ارمغان نیاورده است. بیش از پیش به اشیاء کشیده شده و توده های میلیونی و بیش از اعتماد خود را از خود خویش را نسبت به حکومت وابسته و خود مردمی جمهوری اسلامی از دست داده اند. در مقابل تمام اعتماد رهبران به سیاست رژیم کارگران و زحمتکشان به ارمغان نیاورده است. بیش از پیش به اشیاء کشیده شده و توده های میلیونی و بیش از اعتماد خود را از خود خویش را نسبت به حکومت وابسته و خود مردمی جمهوری اسلامی از دست داده اند.

در چنین شرایطی است که

بورژوازی با توسل به تبلیغات عوامفریبانه و ارتجاعی میکوشد تا کارگران و زحمتکشان را بفریبد. آنها بدون فریبکاری مردم نمیتوانند حکومت کنند. لیکن مسئله مهم اینستکه رژیم جمهوری اسلامی ملحاظ ویژگی خود و برای بقای خود به محیط سرمی و رذیلانه‌ترین تبلیغات دست میزند و حقیقتا این رژیم برای حفظ سرمایه در بکار گرفتن ارتجاعی ترین و فاسدترین تبلیغات دست رژیم منفور شاه و هیتلر فاشیست را از پشت بسته است.

انتخابات و تقلبات وسیع

حقیقت اینست که در نظام بورژوایی سرمایه‌داری، بورژوازی برای بقا و حاکمیت خود نمیتواند به تقلب و ریا و تزویر اتکاء نکند. این امر مخصوص در زمان انتخابات بورژوائی بنحو آشکاری برجسته میشود. رژیم جمهوری اسلامی که مدتها است بدون تقلبات وسیع قادر نیست ۱۲ میلیون رای برای نمایندگان خود بدست بیاورد، بنا بامکانات خود را بسیج نمودند از قبل و با همگی چشمان آراء صندوقها را بسا رای موافق پر کنند. حزب جمهوری اوباشان حزب الهی و افراد متشکل مکتبی را در یک روز چندبار برای رای دادن بپای صندوقها فرستاده در بسیاری صندوقها مزدوران حزبی شناسنامه زنان و مردان نمیتوانستند را گرفته و خود ورقه رای آنها را پر میکنند در روستاها عوامل حکومتی شناسنامه توده‌ای کثیری از اهالی را جمع آوری کرده و سپس بدلخواه بنام آنها ورقه رای ما در میگردند. رژیم بسن رای دهندگان برای ریاست جمهوری را یکسال پائین آورده تا بتوانند رای بیشتری بچنگ آورد. آیا چیز مضحک آوری است که این تقلبات و فریبکاری تحت لوای "آزادی" و اسلام صورت میگیرد؟ اگر از همه حکومتهای بورژوائی متقلب و فریبکار رهبرانند و رژیم جمهوری اسلامی از این قاعده مستثنی نیست. مزدوران اسلامی از "انتخابات واقعی اسلامی" حرف میزنند ولی چه کسی نمیداند که این انتخابات فقط به اتکاء تقلب و با رهبری نتوانست ۱۲ میلیون رای را بدان چرخانی صادر کند. میلیونها توده آگاه این انتخابات قلابی را تحریم نمودند. بنا به حداکثر دهم آراء اعلام نشده. آراء شود که توسط مردم آنها با تبلیغات گدائی و در ما به سرکوب و خفقان به صندوقها ریخته شد. بقیه آراء فقط به اتکاء تقلبات وسیع نمایندگان اسلامی سرمایه‌داران از صندوقها بیرون آمد. نفرت توده‌های زحمتکش ایران از رژیم تا کجا سرمایه‌داران آن آنقدر وسیع است که رژیم با روال عادی کار هرگز قادر به گسترش ۱۲ میلیون رای نمیتواند باشد.

انتخابات و ارعاب و ترور سیاه

رژیم منفور سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند از توده‌ها رای بگیرد به حربه ترعاب مرتجعانه روی آورد: عوامل حکومتی در تمام ادارات و کارخانجات بطور غیر مستقیم مطرح می‌ساختند که نتیجه‌ای نداشتند از کار بیکار می‌شوند و به آنها کوپن کالا و بنزین داده نخواهد شد. رژیم از رادیو تبلیغ میکرد که در رای دادن "آزاد هستید". اما مزدوران رژیم توده‌ها را مرعوب ساخته و آنها از ترس دست دادن شغل و کار خود به رای دادن وادار می‌ساختند. همینی که چندی پیش در مقابل فرمانداری مزدوران رژیم برای آنکه آنها از حمایت لیبرالهای مرتجع دست بردارند میگفت برای ارتش سیاست ما نشد هر وقتی است این بار که منافع منافق حزب جمهوری مطرح بود میگفت تکلیف همه ارتشیان است که در انتخابات شرکت جویند و بر اساس این حکم در تمام پادگانها صندوقها را برپا داشته پرسنل ارتش را به صف کرده و آنها را وادار به رای دادن نمودند و بر واضح است که سرپیچی از اوامر مافوق چه نتیجه‌ای دارد. در سطح جامعه تبلیغات چیان حکومتی پخش نمودند که اگر شناسنامه‌ها دارای مهر انتخابات نباشد فرد تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و به آنها شغلی داده نخواهد شد. توده‌ها فریب و نیرنگ دیگر تا بدین ترتیب بتوانند توده‌های متزلزل را بفریبند و رای آنها را با فشار و ارعاب بدست بیاورند.

علاوه بر این رژیم علاقه‌ها که برای مرعوب ساختن کامل توده‌ها به میدان شدتی که در دوره اخیر اعدام و ترور کمونیستها و انقلابیون را شروع کرده بود تا رعب را ادامه داد. اعدام جوانان انقلابی ۱۲ تا ۱۵ ساله و تیرباران انقلابیون و کمونیستهائی که دل در گرو عشق به خلق و طبقه کارگر بسته‌اند یک دم متوقف نشد. در روز انتخابات لابوردی جلاد به صحنه تلویزیون آمد و یکبار دیگر کسانی را که "اقدام علیه جمهوری اسلامی" بنمایند به اعدام و شکنجه تهدید نمود. با دستگیریهای وسیع با شکنجه و ترور و تیرباران در همان شب و روز انتخابات رژیم در پی آن بود تا بمردم بگوید کسی که به حکومت سرمایه‌داران رای نداده سر خود میگوید کسی که

بقیه از صفحه ۱۳ کارنامه ...

فرهاد شاکر مطرب	(تهران)
محمدهاشم حارج	(تهران)
مهرداد اسلامی	(تهران)
علی عباسیان	(تهران)
محمدعلی نجاتی	(تهران)
محمد بصیری فر	(تهران)
مسعود استاری	(تهران)
علی نورمسئله‌گو	(تهران)
حسن موسقی	(تهران)
عدرالسادات آل داوودی	(تهران)
سید رضا اصفهانی زاده	(تهران)
محمد کسبی	(کازرون)
محمدسعامی	(قزوین)
محمدمرادی	(قزوین)
منوچهر دری	(آمل)
عبدالله فولاد	(آمل)
حسن کرمی	(آمل)
حمید لاله آبادی	(آمل)
علیرضا شمع زاده	(آمل)

کمونیستها و انقلابیون شهیدی که وابستگی سازمانی شان مشخص نشده است:

آذر احمدی (تهران)- جلیل کرمی (اهواز)- علی تقی پور (بابل)- بهنام بیگدلی (اهواز) حسن احمدسیماب (مشهد)- عبدالله کریم‌زاده (سنندج)- انور صالحی (سنندج)- قدرت الله نامری (بهشهر)- حسن باقری (بهشهر)- احمد علی گر (گرگان)- قنبرا رغمد (لنگرود)- داریا عرفانی (لنگرود)- محمودفضلی (بهشهر)- آریا حدیدی (مشهد)- مهدی زادرمضان (رودسر) جعفرشاهی (رودسر)- سیروس کوگرد (هشتپر) فرج دورصناعی (هشتپر)- سهراب شهداد (کرمان) محمدیزدانی (بندرعباس)- محمدتقی شرابی (بندرعباس)- حسین پورقنبری (بندرعباس) محمدعظیمی (بندرعباس)- ناصر مسی ونند (سربرز) کاسا راسماعیل زاده (بندرعباس) عبدالکریم عبداله‌پور (بندرعباس) حیدر حیدری (تهران)- رمضانعلی آباد (تبریز) رحیم سلیم‌زاده (تهران)- احمدچشم راه (تهران)- شهفت موسوی (رشت)- یوسف آتش (شیراز)- محمدحسین ذکاوند (شیراز)- ۳ نفرکه هویت آنها اعلام نشده (تهران)- ۵ نفرکه هویت آنها اعلام نشده (تبریز)- ۲ نفرکه هویت آنها اعلام نشده (جالوس)- ۱ نفرکه هویتش اعلام نشده (رامسر)- ۱ نفرکه هویتش اعلام نشده (کرج) - ۸ بیشمرکه قهرمان کرد.

وده ها کمونیست و انقلابی دیگرکه بدست رژیم جلاد حاکم اعدام شده اند و اسمشان اعلام نگردیده است.

یادشان گرامی باد!

بقیه از صفحه ۸. انتخابات ...

گردن توده‌ها وسیله‌ای است که بورژوازی میکوشد با توسل به آن توده‌ها را فریب داده و از وقوع انقلاب جلوگیری نماید و بدینسان رژیم سرمایه‌داران برای فریب کارگران و زحمتکشان است. بدینسان رژیم با ماهیت گندیده و ارتجاعی خود وسیله‌ای است در دست سرمایه‌داری تا بتوانند حاکمیت سرمایه‌داری را در شکل دیگری ادامه دهند. و امروز همین پارلمانتاریسم گندیده را رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در منحط‌ترین و مفتضح‌ترین شکل خود بنمایش میگذارد. جمهوری اسلامی با هزاران نیرنگ و خدعه، تهدید و ارعاب توده‌ها را مجبور میسازد تا رای موافق دهند و سپس به آنها میگوید شما "آزاد" هستید جمهوری اسلامی خود اکثر آرا را به صندوقها ریخته و سپس میگوید "انتخابات واقعی با شرکت وسیع مردم" صورت گرفت جمهوری اسلامی کمونیستها و انقلابیون را سرباران می

- کند تا از مردم رای بگیرد و سپس میگوید مردم به دلخواه در این انتخابات اسلامی شرکت کردند.

نه! نه رژیم جمهوری اسلامی میتواند آزادی به ارمغان آورد و نه انتخابات اسلامی دروغین آن میتواند انتخابات آزاد باشد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی یک انتخابات مسخره و خیمه شب‌بازی بود تا به اتکاء آن بتواند مزورانه چنین وانمود کند که در میان توده‌ها منزوی و مطرود نبوده و تعرض ضد انقلابی گسترده‌تری را علیه انقلاب به پیش ببرد. امروز رژیم جمهوری اسلامی با این "پیروزی" ریاکارانه در صدد گسترش بازهم بیشتر سرکوب وحشیانه بر علیه کمونیستها و انقلابیون است امروز رژیم میخواهد بگوید که از نفوذ وسیع برخوردار بوده رژیمی منزوی بشمار آمده و بنابراین حق دارد تا کمونیستها و انقلابیون را قتل عام کند. البته هیچگاه رژیم‌های سرمایه‌داری در آدمکشی و خونخواری بهانه احتیاج ندارند ولی آنهائی که بشیوه عمل میکنند و دست فریبکاران جهان را از پشت بسته اند بهانه "پیروزی" در انتخابات را به سلاح سلاحی کمونیستها و انقلابیون تبدیل می نمایند و این وضع حال رژیم در دمش جمهوری اسلامی و تمامی سردمداران جنایتکار و جلادان میباشد.

کارگران و زحمتکشان! اگر انتخابات رژیم یک انتخابات مسخره و ریاکارانه است، این امر ناشی از ماهیت سرمایه‌دارانه این رژیم است. کارگران و زحمتکشان! شما در تجربه دوساله خود دریافته اید که رژیم حاکم نه نان میتواند بدهد نه آزادی بنابراین بر واضح است که همین رژیم تبهکار هرگز قادر به تامین یک انتخابات آزاد بنفع زحمتکشان نمیتواند باشد. کارگران و زحمتکشان! سردمداران رژیم سفاک جمهوری اسلامی و از جمله خمینی جلاد میگویند این انتخابات آزاد بوده است و نوکران سرمایه‌داران یعنی رویزیونیستهای خیانتکار حزب توده و فدائیان اکثریت نیز همان تبلیغات کثیف سرمایه‌داران را تکرار میکنند اما شما در همین تجربه جدید خود دیدید که انتخابات رژیم فقط به اتکاء ناآگاهی تقلب، دروغ ارعاب و اعدام برپا گردید و دوباره نماینده سرمایه‌داران و تجار انتخاب شدند بنابر این شما در همین تجربه خود نه تنها دروغین بودن این انتخابات بلکه دروغین بودن حرفهای خمینی ها و خائنین رویزیونیست را نیز دریافتید کارگران و زحمتکشان! لیبرالهای ارتجاعی مانند بنی صدر مکار میگویند انتخابات رژیم جمهوری اسلامی تقلبی است اما انتخاباتی که تخت رهبری آنان باشد واقعی است. این نیز فریبی بیش نیست. دولت و مجلس بنی صدر ماهیتا همان دولت و مجلس سرمایه‌داران است و طبقه کارگر هرگز به چنین دولت و مجلسی اعتماد نخواهد کرد چرا که می داند لیبرالهای ضد انقلابی فقط فریبکارانی هستند که میکوشند بر دوش توده‌ها سوار شوند و انقلاب را در سلیح بورژوازی به خون کشانند.

کارگران، زحمتکشان

شماره ۱۱۴ پیکار در هنگام چاپ مورد یورش ضد انقلابی ارتجاع قرار گرفت و ضبط گردید. به این لحاظ و به دلیل ضربه ارتجاع، در شکل ظاهری پیکار تغییری حاصل شده و در این شماره حالت فوق العاده بخود گرفته است.

رفقا!

در تکثیر و پخش پیکار

با تمام قوا بکوشید و مشت

محکمی بر دهان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بکوبید.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

از وصیتنامه کمونیست پیکارگر، رفیق محسن فاضل (رفیق سامی)، لحظاتی قبل از اعدام در زندان اوین

با درود به شما شهدای راه آزادی و حاکمیت طبقه کارگر

با درود به شما رزمندگان راه آزادی حاکمیت طبقه کارگر

"تا لاغره شماره ۱۳۹ روزه در زندان محبوس بودن و محروم از همه چیز، در چنین موقعیتی، با یک دادگاه موضع، محکوم به اعدام شدم. اتهاماتی بر علیه من عنوان شد که هیچ دلیلی بر آن موجود نبود و سعی نمودند با تهدید و فریب از آنها بری گشتم ولی اینها به این مسائل کاری ندارند. مساله اساسی اینست که من انقلابی هستم و مارکسیست؛ و مارکسیست در قاموس آنها مرتد است و محکوم به اعدام. فقط یک راه برای ادامه زندگی من هست و آنهم راه زندگی ای خفت بار، بخشش حقارت به آرمان زحمتکشان و پرولتاریا. مهم نیست. در طول ۱۲ سال که شده در هزاران مورد با خطر مرگ مواجه شدم و از آنها جستم ولی تا لاغره در جمهوری اسلامی افتخار آنرا بدست آورد که من را بکشد. مهم طول زندگی و چند سال بیشتر و یا کمتر نیست. مهم اینست که چه محتوائی در این زندگی نهفته بوده است و من خوشحتم و آسوده ام که زندگی با حدی شرمنده نداشته ام.

نه تنها در دو سال قبل، بلکه شما هم در زندگی من هست و کمبودها و اهمال های زیادی که متوجه شدم و ورم ولی امیدوارم با تعدی من به آرمان پرولتاریا و وفاداری من تا آخرین لحظه به شما نشانی که با رفقا و چشم کمونیستی و شهدا داشته ام، و چون من، خیزان آن باشد. در شما این دوره زندان، شما رمز مقاومت برابر زندان و شما کمبودهائی که اینها می توانستند برطرف شود، و مقاومت کردم. من برای شما بدها نسبت شرمنده دارم. شرمنده مقاومت و شرمنده وفاداری و مبارزه است. هر چند که توانستم اثر بد شما برنامه. من خوشحالم که لیاقت شما دادی را که رفقا به من ابراز داشتند نشان دادم. کمبودهای که شما برمن و رفقای دیگر شرمنده. شما دشمن درسی و صحت راه ما و اندیشه ما است. چون من و آنها برای شما تاسی شروی فروشی در راه مبارزه و انقلاب شده کشید. من خطره ای نکردم از ورود به خروش و چون شروشه کمونیستی بودن افتخار این است که شما به آخر، خیزان و خطره ای از این روه بوده.

خدا! شعور و چرا کار شلوغ کرده شما در زندان و در پای چوبه دار به من شیر و وا میدهد میدهد. ستاره صبح بالاغره خواهد دمید. راه سوسیالیسم، اگر احتیاج به هزاران هزار شهید از ما کمونیستها داشته باشد، تمام رفقای ما پیکر آماده این فداکاری برای این آینده بوده و هستند. ما برای آینده ای پرشکوه برای زحمتکشان و پرولتاریا مبارزه میکرده ایم و نه برای مرگ با شکوه، ولی هرگاه مرگ و رنج های مختلف بهر صورت، برای طی این مسیر ضروری باشد، کمترین چیز در نزد ما همین جان است.

رفقا! برای شوده ها راجع به من و دیگر شهدا و وفاداری آنها به شوده ها، خواهد گفت. شوده های فلسطینی که سامی را از نزدیک می شناسند و در جبهه های مختلف و کارهای مختلف با او بوده اند، او را می شناسند. به آنها بگوئید که سامی در واقع در راه رهائی و آزادی آنها و تمام شوده های محروم منطقه از چنگال سرمایه داری و امپریالیسم جنگید و شهید شد. رفقا! درس بسیار مهمی که در زندان گرفتم از تحلیل گذشته زندگیم بوده. رفقا یک آن برای درک مارکسیسم لنینیسم انقلابی در شرایط ایران و سازمان و تطبیق آنرا بسیار بدهد داد. در مورد اشتباهات و گرایشات بورژوائی در درون خود با تمام نیرو طبقه و کمونیستی عمل کرد. این آفت انقلاب ما و سازمان ماست. رفقا! افشای خائنین رویزیونیست بهر رنگ و شکل ما من زندگی و انقلاب است و هیچ ملاحظه ای شایسته در این راه کرد. من عمری را در واقع تلف کردم که بیش گرایش به انقلاب و کرایش به پا سفیم منزلزل بودم که در حد خود ضربه هائی به کار و خود زدم.

رفقا! راجع به تضاد امپریالیستها در تقسیم جهان و انعکاس و تاثیر آن در تحولات منطقه و جنگ موجود (ایران و عراق) با بستی مطالعه جدی نمود. رفقا! من زندگی را دوست داشتم. دوست داشتم برای اینکه مبارزه کنم و زندان را دوست داشتن و رنج میکذارم چون به مسائل بسیار مهمی رسیده ام و توانستم شور مبارزه انقلابی را در زندان نشان دارم. رفقا! رنج زندان، بیش از این حقیر است که ما کمونیستها و انقلابیون را از راهمان باز دارد. من مطمئن هستم که من و دیگر شهدان تا ابد در وجود شما و دیگر انقلابیون، زنده هستیم و در جنبش و مبکش و آزادی زحمتکشان، شهیر راه شما و آنهای خواهیم کوشید.

من نیروئی ندارم که راجع به آن وصیت کنم هر آنچه در اینجا همراه من است و هر چه که به اسم من بوده و یا بدرم میخواست بخش بدهد یا بستی درهمان راهی که زندگیم را در آن گذاشته ام صرف شود. آن قطعه زمینی که بدرم میخواست بولش را به من بدهد نیز با مثل همین قضیه و امر است. در مرگ من کسی نباید سیاه بپوشد و سوگواری کند. برای من این مصیبت نیست که شهید شدم و برای شما هم نباید باشد. بدرو مادر و غیر ایشان را دوست داشتم و برایشان آرامش عمیق که بخشان میشود شاید ولی من وابسته به جریان طبقاتی دیگری بودم و نه خانواده ام. دست همه را بگرمی میفشارم.

رفقا! چون من و دیگر شهدان، برای شما فقط یک امر را فریاد میزنند: "نه بیش! نه بیش!

مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر سرمایه داری، مرگ بر ارتجاع

زنده باد مارکسیسم لنینیسم، انترناسیونالیسم طبقه کارگر

زنده باد حزب کمونیست

زنده باد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

زنده باد شهدای راه آزادی طبقه کارگر

زنده باد شوده ها

محسن فاضل ۱۳۶۰/۳/۳۱

رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه دار دشمن زحمتکشان

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ تنها هم...

این رژیم در آنچنان بن بستی قرار گرفت که علیرغم بهره گیری از عظیم ترین دستگاه فریب و دغلکاری و عوامفریبی، در همین مدت دو سال و نیم چنان عیان ماهیت مرتکب شده که برای آن را به یکی از رسوا کنندترین رژیم های ارتجاعی جهان تبدیل نموده است. رژیم نه تنها نتوانست خواست اونی توانست ببرد رده ها و محرومیتهای توده های مردم را ناشناخته و خشنه کارگران و زحمتکشان باقی نهد بلکه بدلیل ماهیت ضد مردمی و سرمایه داراتی ای، هزاران بدبختی و فشار و نا ملایمات دیگر را برای توده ها به ارمغان آورد. گشتار خلقهای قهرمان ما بخصوص گشتار و بمباران شهرهای کردستان، فشار و روزافزون گرانی و بیکاری بر کارگران و زحمتکشان، تنها چم مستمر به دستاوردهای قیام بهمن به منظور باز پس گرفتن سامی آزادیهائی که در جریان این قیام بدست آمده بود، جنگ با دشمنان ارتجاعی و... و سالامره گشتار و شکنجه و خفقان نه روشنفکران انقلابی و مدافعان از بهترین فرزندان انقلابی کارگران و زحمتکشان، ابتدا گوشه هائی از ... بدستگین حکومتی است که خود را نتیجه ... بهترین گوهرهای ایران جا زده است. و هم اکنون و از آنجا که مقاومت و مبارزه توده ها و سازمانهای انقلابی آنان به اشکال مختلف، عواب آرام را از آنان گرفته و هرگز نگذاشته است که رژیم به تثبیت و تحکیم خود انقلابیش برسد، هیچ چاره ای جز این ندیده است که همانند همیشگی مرتجعین تا ریخ و همانند همانی رژیمهای ضد مردمی، به کشتار و قتل کارگران و توده ها و نیروهای انقلابی دست بازد. رژیم در عرض فقط یکماه بیش از ۲۰۰ تن از زندانیان انقلابی و کمونیست را که در بین آنان کودک ۱۲ ساله و زن باردار ۸ ماهه وجود داشته است، اعدام نموده است و این را توده های آگاه خود نمایش گذاشته اند. بنابراین و کشتار رفقای شهید ما به اصول مخفی کاری و روابط و ... سازمانی، مشاهده با شرایط جدید ... مرتجعین را قبل پرداخته بودیم مسلما مسئله ... این قرار نخواهد شد. بنابراین بدون اینکه بخواهیم انتظار تا کنیکی به دشمن کم بها بدهیم حقیقت این بود که این قرار قبل از آنکه قدرت دشمن را بخشایش بگذارد متاسفانه و شاید خوشبختانه ضعف ما و نارسائیهای سازمانی ما را عیان نمود. ضعفهائی که مصمم ... نیروهای مجاهدان به اصلاح آن برخیزیم و بهمت اعضا و توده های برخوری که در عرض این مدت گوشتا ارهیچ گوشتی مرتجعین تحکیم سازمان ... نموده اند با این قرار در جهت استحکام سازمان به قدر خویش بدل نمائیم. طبیعتا در این راه برای جلوگیری از گشترش قرار، ما مجبور شدیم که اختنا رپیکار را بمدت چهار هفته متوقف نمائیم. اینک با رهم "پیکار" بمدد دستهای سر ... خوانی که شور و شوق مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی آنها را سرا سر به تلاش وا داشته

تبلیغاتی اش شبانه روز رجز بخوانند کارگران و توده های آگاه ما ضعف و زبونی و دزتاتگی رژیم را از درون همین اعدامها، از ورای همان تبلیغات، که تا شبانه خود را لو میدهد بخوبی درک خواهند نمود. آری رژیم جز گورستان، هیچ راهی در مقابلش قرار نداردو شیوه کشتار و قتل عامی همگه در پیش گرفته است نه نشانه قدرت او، بلکه دقیقا نشانه حرکت رو به زوال اوست.

کارگران، زحمتکشان!

رژیم در جریان تعرض ضد انقلابی خویش خواست به برخی از مراکز اختشاراتی و تدارکاتی سازمان دست یافته و از این بابت ضربه ای بر سازمان وارد نماید. در جریان این تهاجم که به اعتبار اعتصابات در عدم رعایت اصول مخفی کاری و روابط درون سازمانی، و در سازماندهی مامورت گرفت رژیم بیش از ۵۰ نفر از رفقای ما را دستگیر نموده و تا لحظه فعلی بیش از ۲۰ نفر از رفقای کمونیست ما را بدنبال محاسبت بحسب از شکنجه های وحشیانه بنا برا خبار موثق به جوخه اعدام سپرده است (رفیق شهید ما گریبسا می در تیر بزرگ شکنجه در زندان رژیم شهید شده است و بر طبق اخباری که بدست ما رسیده است همینطور اخیرا شکنجه کمونیستها و مجاهدین را مجازو مشروع دانسته، و هم اکنون در سطح وسیعی در زندان اوین بکار گرفته میگردد). پس از آن رژیم در فضای اختناق و سرکوب وحشیانه ای که ایجاد کرده بود، ابتدا به ادعای کذبی که ضربات شدیدی بر سازمان وارد نموده است. ما قبل از هر چیز توضیح این امر را ابتدا لازم میدانیم که این ضربه که بر بخش اختشارات، تدارکات و تبلیغات و الکترونیک مرکزی سازمان وارد آمد، فقط به اعتبار رفقا، اعتبارات و انحرافاتی صورت گرفت که میتوان گفت اجتناب پذیر بود و در مورد گسستن ما به اصول مخفی کاری و روابط و ... سازمانی، مشاهده با شرایط جدید ... مرتجعین را قبل پرداخته بودیم مسلما مسئله ... این قرار نخواهد شد. بنابراین بدون اینکه بخواهیم انتظار تا کنیکی به دشمن کم بها بدهیم حقیقت این بود که این ضربه قبل از آنکه قدرت دشمن را بخشایش بگذارد متاسفانه و شاید خوشبختانه ضعف ما و نارسائیهای سازمانی ما را عیان نمود. ضعفهائی که مصمم ... نیروهای مجاهدان به اصلاح آن برخیزیم و بهمت اعضا و توده های برخوری که در عرض این مدت گوشتا ارهیچ گوشتی مرتجعین تحکیم سازمان ... نموده اند با این قرار در جهت استحکام سازمان به قدر خویش بدل نمائیم. طبیعتا در این راه برای جلوگیری از گشترش قرار، ما مجبور شدیم که اختنا رپیکار را بمدت چهار هفته متوقف نمائیم. اینک با رهم "پیکار" بمدد دستهای سر ... خوانی که شور و شوق مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی آنها را سرا سر به تلاش وا داشته

است و سازمان را روی سر قدرت رفقای کارگری که از دستمزد ناچیزشان برای کمک فرستاده اند و بهمت و شور انقلابی عظیم مادران شهدا که برای استمرار مجدد پیکار از بذل مال و جان فرزندان خویش دریغ نکردند، استمرار خواهد یافت و باز هم استمرار خواهد یافت.

هیچ نیروئی قادر نخواهد بود شور و عشق عظیمی را که در وجود تک تک اعضاء رهبری، کادرها اعضا و هواداران و سمپ سازمان، شعله میکشد خاموش سازد. این شور و حرکت، برخاسته از آرمان خواهی پرولتری آنان و سرشار از نفرت و کینه طبقاتی نسبت به امپریالیسم و ارتجاع میباشد. آنچنانکه رمز استواری تشکیلات ما که متکی رتجربه ۱۶ سال مبارزه بی امان علیه امپریالیسم و ارتجاع میباشد. مسلما مبارزه انقلابی همواره با پیروزی و شکست، فراز و نشیب و افت و خیز مواجه خواهد شد و هیچ پیروزی ای بدون بهره برداری از نتایج ضربات و شکست های قبلی حاصل نخواهد شد و حرکت ما هم از این امر مستثنی نخواهد بود. اما دشمن به عبث میکوشد و انمود سازد که سازمان ما را متلاشی نموده است. ضربات اخیر علیرغم ایجاد اختلالاتی در کار که توقف موقت پیکار از آنجمله بود، ضربه اساسی به استخوانبندی تشکیلاتی وارد نساخت. و امکانات و تدارکاتی همگه بدست رژیم افتاده بدست توانای کارگران، زحمتکشان و آن فرزندان انقلابی که آنها را بوجود آوردند، ده ها مرتبه بیشتر جبران خواهد شد سازمان ضربه اخیر را بسرعت، بسرعتی فراتر از تصور دشمن نه تنها ترمیم خواهد نمود، بلکه مسلما از این تجربه در جهت تحکیم و استواری هر چه بیشتر سازمان بهره خواهد گرفت.

هم اکنون با به تک تک هواداران و توده های آگاه خلق و تنظر عظیم خویش را از جنایات و کشتار وحشیانه رژیم به نیرو تبدیل نموده و با نیروئی مضاعف، کار عظیم انقلابی و آگاهگرانه ای را که رفقای شهید ما به دوش میکشیدند به پیش ببرند. کمونیستها، هم اکنون بیش از پیش با امید به فردائی روشن، با امید به فردائی که صف عظیم کارگران و زحمتکشان، رژیم ننگین جمهوری اسلامی ایران را جاروب خواهند نمود به کار عظیم آگاه گرانه و بسیج طبقه و توده ها همت بگمارند و نیروی محرکه آنها در این مبارزه، سوسیالیسم، این آرمان والای طبقه کارگر خواهد بود. آری و بهمین دلیل هر جفه دشمن بر ما بتازد، هر جفه را رگشته های ما بیشتر بتازد، و هر اندازه در بوقهای تبلیغاتیش ما را "ملحد" و "مرتد" و "بائی" بنامد فقط عزم ما را در مبارزه ای بی امان با دشمن، در استحکام هر چه بیشتر سازمان، در کار پیگیر در میان کارگران و زحمتکشان و اینکه علیرغم ضربه دشمن، سازمان را بهمت اعضاء و هواداران پر شور سازمان و توده های آگاه همچون مردمک چشم حفظ و حراست نمائیم، بیشتر خواهد نمود.

←

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

←

دشمن بنا برماهیت طبقاتیش نسبت به ما نفرت دارد و کینه توزانه برما می تازد. رفقای ما را به شهادت می رساند و به شکنجه های دیوانه وار دست میزند این نشان میدهد که تیرهای آگاهی دهنده ما بهدف اصابت نموده است. رژیم می خواسته است در سایه جهل و تاریکی، ماهیتش مخفی بماند تیرهای نور افشان ما و دیگر تیروهای کمونیست و انقلابی، چهره کریه او را بنمایش گذاشته است. بنا بر این چرا با غیظ و نفرت با ما برخورد نکند؟ او ما را "مرتد و ملحد و باغی" خطاب می کند ولی آیا جز این است که بدلیل افشاشدن ماهیت ارتجاعیش. فقط برای عناصر ما میافزاید و آیا جز اینست که از این پس توده های آگاه کلماتی چون "مرتد و باغی و ملحد" را خیلی بسه واژه های انقلابی و تقدس نمایند؟

آری، کارگران و زحمتکشان ایران در زندگی روزمره خویش میاموزند که چه کسی و چه نیروهائی در کنار آنان و برای آنان مبارزه میکنند و چه رژیمی و با چه چهره کریه و ضد مردمی ای سر آشتی حکومت میخواهد. ما مطمئنیم که بخواست مبارزه امروز ما، بخواست کارگران انقلابی و پرحوصله ما خشم و تنفر طبقاتی عظیمی است که هم اکنون در بخش وسیعی از توده ها ذخیره شده و دیر یا زود طوفانی سرخواهد افکند که بنیاد رژیم جمهوری اسلامی را برخواهد افکند. اگر مرتجعین هرگز بنا بر ماهیت طبقاتیشان نمی توانند از تاریخ درس بگیرند، توده های آگاه ما، از قیام پرشکوه بهمن ماه این درس را گرفته اند.

سنگ و نفرت بر سر مدافعان جنایتکار

رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد انقلاب

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خمینی جلاد خون می ریزد

در برابر بحران فزاینده اقتصادی و سیاسی و در برابر مقاومت و مبارزه توده ها، رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ارتجاعی اش هیچ راهی جز سرکوب انقلاب ندارد. برای تثبیت این رژیم ضدخلقی چاره ای جز برافراختن جام خون علیه کمونیستها و انقلابیون نیست. طی دو سال و نیم گذشته انواع شیوه ها و فریبکاریها و شیادیها از طرف خمینی و رژیم او بکار گرفته شد و فجیعترین سوءاستفاده ها از احساسات مذهبی و شوخیات توده ها عملی گردید ولی هیچیک رژیم را نجات نداد. سرکوب های مستمر هم که از فردای قیام جریان داشت کاری از پیش نبرد و رژیم ناگزیر همان وعده "برافراشتن چوبه های دار در میدانهای شهر" را به صورت تیرباران ارزنده ترین جوانان کمونیست و انقلابی به مرحله اجرا درآورد. طی قریب یکماه و نیم حدود ۴۰۰ تن از کمونیستها و مجاهدین اعدام شده اند. کینه توزانه ترین برخوردها به نیروهای کمونیست و انقلابی و خانواده های آنان عملی شده است. نوجوانان ۱۰ - ۱۲ ساله از دختر و پسر روزانه بارها و در بسیاری موارد صرفا به "جرم" داشتن خانه تیمی یا پخش اعلامیه و حتی داشتن عقیده و مرام مخالف با ارتجاع حاکم به جوخه اعدام سپرده شده اند بی آنکه محاکمه ای در کار باشد. جنایتکاران حاکم نه از یورشهای دلبخواهی به خانه ها، نه از دستگیریهای بی حساب و کتاب، نه از شکنجه هائی که روی ساواک را سفید کرده، از هیچکدام دریغ نکرده اند. وقاحت و وسیع بودن این اعمال که همه حاکی از ماهیت سرمایه دارانه و ارتجاعی رژیم و کینه طبقاتی آن علیه کارگران و زحمتکشان است بحدی است که نمونه آنرا در تاریخ رژیمهای خونخوار کمتر میتوان سراغ داد.

- ۶ ماه پیش دانشآموزی انقلابی را "بجرم" شعارنویسی دستگیر کرده اند و اکنون او را اعدام کرده اند!

- افرادی را بجرم خویشاوندی با انقلابیون بی هیچ مدرکی، تیرباران کرده اند!

- پوست مورد یک انقلابی را طی شکنجه وحشیانه از استخوان جدا کرده اند!

- در اجساد شهیدان مشاهده شده است که سگهائی از گوشت تن آنان برید و گوه کرده اند!

- اجساد شهیدان را مثل لاشه ارزنده ای اوین در کامیون ریخته اند بطوریکه جلوی پرسنل قانونی جون از کامیون سرازیر شده است.

- کینه توزی را بحدی رسانده اند که از تحویل اجساد به خانواده های داغدار هم امتناع کرده اند!

- دژخیمان پا را از این هم فراتر گذارده اجازه نداده اند که اجساد شهیدان کمونیست در گورستان عمومی دفن شود و حتی اجسادی که بکمال اردفن آنها می گذاشته مانند جسد رفیق شهید تقی شهرام و رفیق شهید محسن فاضل از زیر خاک بیرون آورده و در جای دیگری، در گورستان غیرمسلمانان دفن کرده اند. از نظر کمونیستها که در راه رهائی کارگران و زحمتکشان جان خویش را فدا کرده اند مهم نیست که در کجا دفن شوند چرا که آنان در قلب توده ها برای همیشه زنده اند ولی این وحشت رژیم از اجساد شهیدان کمونیست عمق گندیدگی و کینه طبقاتی کثیفی را نشان میدهد که رژیم با بکار گرفتن دست آوردهای قیام توده ای بهمن ماه ۵۷ هم اکنون قدرت سیاسی را در دست دارند.

در شرایط رشد مبارزات توده ها، در شرایطی که نارضائیهای توده ها روز افزون است، در شرایطی که هیچیک از اهداف انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی توده ها محقق نشده است. این اقدامات فاشیستی رژیم چرا که با تسویق مرگ این رژیم را با خدای زنانی بتوارد و توید سقوط حتمی و تاریخی این رژیم را سر دهد. نشانه چیزی دیگر نیست. توده های رحمتکش و در پیشاپیش آنان کارگران و نیروهای کمونیست و انقلابی در پاسخ جام خونی که رژیم جمهوری اسلامی برای انداخته، عید سرخ انقلاب برپا خواهد داشت.

درخشان باد و ممکن و آزادی و برقراری سوسیالیسم پای خواهد گوشید. این حکم تاریخ است.

رفقا!
با تقدیر از کمک های مالی شایان توجه و گرانبهای شما، کمک های مالی خود را از هر طریق ممکن برای سازمان ارسال نمایید.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱۲ کارنامه ...

رفقای گذاشتی (اعلیت)

محمدسلطانپور	(تهران)
علیرضا الماسی	(اصفهان)
مسعود فروزانه	(اصفهان)
علی خصوصی	(تهران)
رحمت محسنی کمیر	(لاهیجان)
خسرو مانی	(سنندج)
شمس رحمانی	(سنندج)
علی اکبر حیدریان	(بجنورد)
مهدی موسوی	(سرپل)
محمد سالاری	(کرمان)
کاظم کارروسی	(کرمان)
علی ناصری قمصی	(رشت)
ابراهیم خلاقی	(رشت)

فدائی شهید حاج چپ اکثریت

وحید [illegible]	(تهران)

یک رفیق از راه کارگر

از جریکهای فدائی

نوروز قاسمی	(تبریز)
[illegible]	(تهران)
[illegible]	(تهران)
بهمن آذریان	(تهران)
علی حمیدی	(چالوس)
حسن دوستی	(چالوس)
اکبر فلاح	(چالوس)
احمد رجب زاده	(چالوس)
رضاعلی دلیور مقدم	(چالوس)
روح اکبر عباسی زاده دهقان	(تبریز)
اصغر آذری	(تبریز)
جلال هاشمی سنگسانی	(تبریز)
[illegible]	(ساری)
محسن رحیمی	(تهران)
علیرضا دارستان	(بابل)

از سازمان مجاهدین

احسان [illegible]	(تبریز)
محمود محیوی آراد	(تبریز)
رضا [illegible]	(تبریز)
حسن [illegible]	(اصفهان)
حسن [illegible]	(اصفهان)
سهیلا [illegible]	(اصفهان)
[illegible]	(تهران)
داود [illegible]	(تهران)
[illegible]	(تهران)
[illegible]	(تهران)
محسن [illegible]	(اهواز)
علی محمد محمدی	(آمل)
[illegible]	(آمل)
[illegible]	(جهرم)
[illegible]	(مشهد)
[illegible]	(مشهد)
[illegible]	(تهران)
[illegible]	(تهران)

رشید آقا علیمداد (تهران)
مهدی نروشه (تهران)
حیدر حسین درست (تهران)
حسین مدقیان لو (تهران)
بهروز مولائی (تهران)
رضا باغچه دوست (تهران)
علی اصغر نوری (تهران)
محمد رضا سربع الاظلاق (تهران)
علی صبور (تهران)
زهرا ابراهیمیان (تهران)
کبری ابراهیمیان (تهران)
طهمورث حسینی (تهران)
اصغر قاسمی (تهران)
محمد اعتضاد (تهران)
حسین علی دیانتی (تهران)
علیرضا فرشباف (ساری)
حسن دهقان نژاد (ساری)
مسعود بزرگی (شیراز)
مالک نجفی (بهشهر)
حسن شیربان (بهشهر)
ذبیح الله رحمیتان (بهشهر)
سیامک ... (لاهیجان)
محمود فرخی (لاهیجان)
علیرضا رستمی (سنندج)
علی اکبر مخموری (بهشهر)
عامر صباغ (بهشهر)
موسی زاهد (بهشهر)
حسین فضلی (تهران)
سید مهدی طباطبائی (تهران)
عادل کرمی (تهران)
محمد سماوانی (تهران)
ابراهیم نجیب (تهران)
محمدعلی پور (تهران)
مهدی دانیالی (انزلی)
اردشیر آباد خیر (انزلی)
منوچهر زاده (قائمشهر)
قدرت الله محسنی (قائمشهر)
احمد نوری (لاهیجان)
حسین طبری زاده (گرگان)
مهران شیرنگ (لنگرود)
پرویز جعفریان (شهسوار)
ایرج جلالی (آمل)
حجت الله ارجمندی (آمل)
علیرضا مجیدی (اصفهان)
حسن ابودردا (اصفهان)
بدالله یوسفی (بهشهر)
حسن چکیمی (کرج)
آسیه ملک اعظمی (بابل)
ناصر بنی هاشم عبدالوات (مشهد)
رضا حالصی (سرپل)
احمد حاجیان (سرپل)
محمدحسین عالیزاده (کرمیان)
ابراهیم وفائی پور (رشت)

بهرام قاسم جاسی (تهران)
فریدون عظیمی (تهران)
عباس محمدی (تهران)
حسن علی بهائی (تهران)
محمد بهاییی (تهران)
حسین جدید (تهران)
محمد مجددین (تهران)
غلامرضا رحمانی (تهران)
احمد عابدیان امیری (تهران)
سیدحسین ناصری (تهران)
مصطفی محمدعلی پورکاکرودی (تهران)
علی اکبر مرروسی (تهران)
محمدرضا سعادتی (تهران)
سیدقاسم حسینی (گرگان)
موسی برارکوهی (رشت)
کیومرث محمدعلی زاده (ساری)
عیسی داراشی (ساری)
۲ مجاهد بی نام (مشهد)
سیدیارمرادشاه ابراهیمی (تهران)
حسین حسنی سیاهوئکی (تهران)
محسنی فریاسی (رودبار - رشت)
کورش رضوانی (رشت)
سیدحسین مرتضوی (تهران)
علی اصغر رهنمایی (تهران)
امین ارطاهیر (تهران)
رضا حاجی ملک (تهران)
غلامعلی جعفری (تهران)
غلام دیبوی (تهران)
مجاهدین شهید در ارومیه، گرگان و آمل
فرزاد صیامی - قدرت الله صیامی - صالح
خواجه - عبداله جنگ - حسین برخوش - محمد
سید اقبری - رحمت فلاح - بهمن جان پور - محمد
معراج - فائزه بی همال -
احمدرضا شادبخش (تهران)
محمدعلی جباری (تهران)
ابراهیم مطلحی (تهران)
سید مصطفی نورا (تهران)
قاسم کبیری (تهران)
ابراهیم بابازاده (تهران)
پیروز بنافیان (تهران)
محمد قریشی (تهران)
محمدرضا آتش فراز (تهران)
محمدحسین عباسپور (تهران)
جواد سماری (تهران)
منیژن گیاهی (تهران)
فیروز رستگار سهرابی (تهران)
فیروز فرهادیان (تهران)
حبیب حیدری (تهران)
احمد جعفری (تهران)
هادی قصه (تهران)
عطاالله حاج محمودیان (تهران)
محمدرضا حسینی (تهران)
حمید ایمانی جوجو (تهران)

بقیه در صفحه ۹

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

کارنامه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از آغاز تیرماه تا نیمه مرداد ۶۰

تیرباران حدود ۴۰۰ کمونیست و انقلابی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

جنایات موسم رژیم جمهوری اسلامی، این سردار رضاخان خونریز سرمایه داری وابسته در ادامه سرکوب وحشیانه ای که برای حفظ و تحکیم پایه های لرزان حاکمیت ارتجاعی کنونی سرمایه آغاز نموده اند، با دستگیری های ناجوانمردانه فرزندان کمونیست و انقلابی زحمتکشان ادامه یافته. سردمداران رژیم جنایتکار اسلامی تنها در خونریزی و فساد و تباهی روی دست همه دزدان تاریخ و جنایتکارهای عصر را سفید کرده است. کمونیست ها و مجاهدین را به جوخه های اعدام می سپارند و روز بروز بیشتر می توانند ماهیت ضد زحمتکشان را بگیرند و به استثمار آشکار ادامه دهند. مردم میهن ما گرسنگی و فقر مطلق را بدانجا رسانده اند که دون کمونیست قهرمانی را در آغاز توله گوگش (رفیق شهید طاهره آقاخانی که ۵/۵ ماهه حامله بود) تیرباران کردند و از اعدام نوجوانان ۱۲ ساله جوی خون براه انداختند و... ولی این همه بدبختی و بیچارگی که ناشی از کمبود شدید سرمایه داران و حامیان آنها است نتوانسته کوچکترین خللی در اراده استوار کمونیست ها و انقلابیون وارد آورده و فرزندان کمونیست و انقلابی زحمتکشان مصمم تر از پیش با خون هر شهید عهد و میثاق می بندند که راه گلگون آنها را که راه سرنگونی انقلاب و نوید رهائی از رنج و استثمار است با سینه های سنگر بنگری کنند. اکنون آنان انقلاب ایران از خون شروع حدود ۴۰۰ کمونیست و انقلابی که در عرض یک ماه گذشته در زندان جمهوری اسلامی تیرباران گشته اند، گلگون شده است و این سرخی خونین یقیناً با تداوم مبارزه انقلابی توده های زحمتکش انقلاب پیروزمند خلقهای ایران را به رهبری طبقه کارگر به ارمغان خواهد آورد. در زیر بخشی از اسامی میهنداران کمونیست و انقلابی هدف های اخیر را نقل کرده و با زنده باد باد بر سرنگونی آنان و دیگر انقلابیون میهندوست و رهائی زحمتکشان و راه سرخ پیروزی انقلاب، با ایمان به آرمان سرخ طبقه کارگر و راه خونین میهندان را دنبال خواهیم کرد.

رفقای کمونیست از سازمان پیکار

[illegible]	(تهران)
علیرضا رحمانی (بختیاری)	(تهران)
طلعت رهنما	(تهران)
قاسم گلشن	(تهران)
محمد [illegible]	(اهالوی)
یک رفیق کمونیست پیکارگر	(اهالوی)
[illegible]	(تهران)
[illegible]	(تهران)
فرزانه محمدی	(تهران)
احمد رضا [illegible] زاده	(تهران)
مسعود کوه ورزی	(تهران)
فائق عادفینی	(تهران)
عزیز مشیری	(تهران)
عطیه ناظرعوی	(تهران)
حسن ولی پور	(شیراز)
علی اکبر حق نیان	(ساری)
محمدهاشم حق نیان	(ساری)
غلامرضا اخلاقی	(گرگان)
پرویز قناسی	(شیراز)
اسماعیل حسونند	(مسجد سلیمان)
سیروس قدس	(اهواز)
حسین عاقل	(رشت)
جواد امیرشاهی	(سنندج)
جمشید رفیا خوشنام	(تهران)
داریوش شکوهمند	(تهران)
محمد [illegible]	(تهران)
شهرام [illegible]	(تهران)
حسن [illegible]	(تهران)
حجت الله ملک	(تهران)
جهانگیر عرشی	(تهران)
کامیاران جهان بیگلری	(تهران)
مسعود ابوسعیدی	(تهران)
حسین زنده آبادی	(کرمان)
عبدالرحیم رشیدی	(زاهدان)
مجید نگهداری	(تهران)
علی اکبر داودی	(تهران)
محسن طاهری	(تهران)
عبدالحسین اسماعیلی	(تهران)
روح الله باقروند	(تهران)
سپهرور خاصه	[illegible]
داریوش رفاراده	(تهران)
فرهاد سلیمی	(تهران)
محمود حسن پور	(تهران)
رضا حسینعلی خانی	(تهران)
عمو طهماسبی	(تهران)
جادو [illegible]	(تهران)
[illegible]	(تهران)
[illegible]	(تهران)
محسن زرگری	(تهران)
داود شروسیان	(تبریز)
جواد خیاط زاده	(تبریز)
فیروزه ملک افتخاری	(تبریز)
محمد دانشور	(تبریز)
یعقوب کسب پرست	(تبریز)
خالق نقده	(تهران)
رحمت حبیب پناه	(تهران)
محمد ولیدی	(تهران)
محمد دانائی	(تبریز)
بهجت ملک محمدی	(تبریز)
نورالله فرجی	(آمل)

رفقای کمونیست از گروه شعله

علی عالم زاده کرمانی	(تهران)
طاهره آقاخانی مقدم	(تهران)

رفقای کمونیست از سازمان رزمندگان

محمد عماره	(اهواز)
حسین معمار فقاری	(اهواز)

رفقای کمونیست از کومله

فریدون آبرومندآذر	(سنندج)
اسماعیل یگانه	(سنندج)
هوشنگ توحیدی	(سنندج)
شهلا حسن آرا	(فروس)
محمدامحمد مصطفی سلطانی	(سنندج)
محمدامحمد مصطفی سلطانی	(سنندج)
فریدون طهماسبی سبور	(سنندج)

رفقای کمونیست از اتحاد مبارزان کمونیست

یک رفیق از سوار

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org